



# انترناسیونال ۴۷۵

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



منصور حکمت [www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ۲۸ مهر ۱۳۹۱، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

## شکست "طرح یارانه ها"، آخر خط

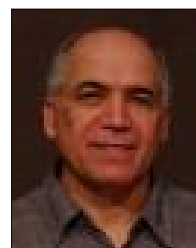
کاظم نیکخواه

اقتصادی" و امثال اینها مینامید اعتراف کرد. و این فقط طرح یارانه ها نیست که شکست خورده است. بلکه شکست این طرح یعنی آخرین روزنه امید سران حکومت برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی بسته شده است. اقتصاد جمهوری

توقف مرحله دوم این طرح را با اکثریت قریب به اتفاق تصویب کرد. این در حالی بود که قبلا اجرای مرحله دوم این طرح تصویب شده بود. به این ترتیب حکومت اسلامی خود به شکست طرحی که به آن امیدهای بسیار بسته بود و آنرا "طرح تحول اقتصادی" و "جراحی

ادامه صفحه ۲

## سخنی با کارگران و مردم ایران



اصغر کریمی

برای مردم ایران راهی جز سرنگونی این حکومت نیست. باید پیاخت و بساط آنها را در هم پیچید. اما تا لحظه ای که این حکومت همچنان سر کار است، برای مقابله با این وضع و جلوگیری از فاجعه بیشتر و بعنوان گام هائی در مسیر سرنگونی این حکومت باید از معیشت خودمان دفاع کنیم و فشار زندگی را کاهش دهیم.

فلاکتی کامل زندگی کارگران و معلمان و کل مردم زحمتکش را در بر گرفته است. هر روز و هفته اوضاع فلاکت بارتر میشود و انبوه بیشتری از مردم فقیر و زحمتکش به خیل گرسنگان اضافه میشوند. مسئول این اوضاع جمهوری اسلامی با همه دار و دسته هایش، قوانینش، اقتصادش، سیاست هایش، فسادش و قشر مفتخور حاکمند.

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان با مبارزه پرشور و متحدانه شان موفق شدند حقوق معوقه خود را از حلقوم مفتخوران بیرون بکشند و همراه با این موفقیت، بیانییه مهمی صادر کردند که حاوی چند

ادامه صفحه ۱۴

## انرژی هسته ای و سیاست ایران!

مصطفی صابر

تبلیغی لازم در این زمینه را بپردازیم. اصل بحث را رفیق فواد پارسا (عضو مشاور کمیته مرکزی) ارائه داد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت و رفقای بسیاری از دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نکات

حق مسلم ماست" بطور فعالتر موضع بگیریم. شعارهای مردم در این زمینه - نظیر "انرژی هسته ای نمی خواهیم" (که در جریان انقلاب ۸۸ طرح شد) و یا شعارهای نظیر "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" (که در تظاهرات معلمان و کارگران طرح شده) - را برجسته کنیم و ارتقاء دهیم و شعارهای

ادامه صفحه ۳

## سخنی با کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان

شهلا دانشفر

دهنده جنب و جوش تازه ای است که در میان کارگران علیه فضای فلاکت موجود و چنگ اندازی صاحبان سرمایه و دولتشان به حقوق ابتدایی کارگران به جریان افتاده است. مبارزه شما کارگران

خانواده هایمان برای نقد کردن طلبهایمان برآستی یکی از نقاط درخشان مبارزه کارگران علیه کارفرمایان مفت خور و در برابر حکومت اسلامی است. این موفقیت در کنار مبارزات متعدد کارگری در هفته های اخیر نشان

دوستان عزیزم!

قبل از هرچیز موفقیت شما در گرفتن حقوقهای پرداخت نشده تان را صمیمانه شادباش میگویم. مبارزه متحدانه و پیگیرانه شما و

ادامه صفحه ۵

### صفحات دیگر

رکورد شکنی قیمت ها و "رزمایش بیت المقدس"

بهرروز مهرآبادی

اتباع خارجی!؟

فرح صبری

جمهوری اسلامی و "مشوقهای اقتصادی برای افزایش جمعیت"

محمد شکوهی

چه کسی می خواهد آمریکا را نجات دهد؟

ناصر اصغری

۱۱ اکتبر روز جهانی دختران

سوسن صابری

"هدفا"، توده مردم

یاشار سهندی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## شکست "طرح یارانه ها"، آخر خط



کازم نیکخواه

از صفحه ۱

اسلامی به دلایل متعدد اکنون براستی در آستانه فروپاشی واقعی قرار دارد. بن بست "طرح یارانه ها" تنها دلیل این فروپاشی نیست اما یکی از آنهاست. ما درست دو سال پیش و دقیقاً پیش از شروع اجرای این طرح که میگفتند قرار است به جامعه "شوک مصرفی" وارد کند چنین نوشتیم: "... به چند دلیل این طرح از هم اکنون شکست خورده است... یکی اینکه لازمه شوک اقتصادی و مصرفی بر جامعه، وجود قدرت منسجم سرکوب حکومت علیه مردم است. که قبلاً شکست خورده است. بعلاوه جامعه ای که در آن ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی میکنند، دیگر جایی برای شوک وارد کردن و گرانی بیشتر و بیکاری گسترده تر را ندارد. شوک مصرفی به میلیونها کارگر و معلم و پرستار و حقوق بگیرانی که دستمزدشان یک سوم خط فقر است و یک سال و سه سال پرداخت نمیشود، دیگر معنایی ندارد. این جامعه سی سال است در حالت شوک اقتصادی است. از این نظر در شرایط کنونی حکومت در بدترین شرایط حیات خویش بسر میبرد و در ماههای اخیر با جنبش عظیم سرنگونی و انقلابی مواجه شده که قدرت سرکوب آنرا نداشته است. ثانیاً حتی بفرض محال انجام تمام و کمال این طرح، تکان چندانی در اقتصاد بیمار و زمین گیر شده ایران ایجاد نخواهد شد. اقتصاد ایران از هم پاشیده تر از آنست که

سرعت زیادی در جهت عکس بوده است و طرح یارانه ها به این سقوط آزاد اقتصادی بطور جدی کمک کرده است. یعنی طرحی که قرار بود بقول دست اندرکاران حکومت برای جمهوری اسلامی "ثبات و تعادل اقتصادی" به ارمغان آورد، دقیقاً تاثیر عکس آنرا برجای گذاشته است. جمهوری اسلامی مرحله دوم این طرح را متوقف کرده اما از مخصصه مرحله اول نمیتواند بسادگی خود را رها کند.

### قرار بود چه شود و چه نشود؟

"قرار نبود که مردم را حقوق بگیر کنیم. باید مردم را به خوب مصرف کردن دعوت کنیم. قرار نبود جنسها مقداری گران شود تا بخشی از هزینه ها را از این قسمت تامین کنیم. قرار بود به یک موازنه و تعادل اقتصادی برسیم" (مصطفی پور محمدی رئیس "سازمان بازرسی کل کشور") با طرح یارانه ها دولت احمدی نژاد "قرار بود" کارهایی بکند که از همان ابتدا معلوم شد که هیچکدام از قرارهایش عملی نیست و پور محمدی و بقیه مجلس نشینان به همین اعتراض دارند. ناچاریم برای روشن شدن مساله بطور فشرده برخی از این ها را یاد آوری کنیم. دولت قرار بود سالانه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان سوسید کالا ها را به خزانه خود بریزد و در عوض ۱۰ هزار میلیارد آنرا تحت عنوان یارانه نقدی به بخشی از مردم بدهد. و از شواهد معلوم بود که قرار است همان یارانه نقدی را هم بعد از یکی دو سالی به بهانه های مختلف قطع کنند. تا بقول خودشان یک شوک اقتصادی قوی به جامعه وارد کنند و در نتیجه اقتصاد ایران روی پای خودش حرکت کند و "به موازنه و تعادل برسد" (عبارتی که همه طرفداران سرمایه داری بازار آزاد به آن عشق میورزند). دست اندرکاران این طرح مردم را به ده دهک و سه خوشه تقسیم کرده بودند. و یارانه

نقدی به دو خوشه اول تعلق میگرفت. که ۴۷ میلیون نفر را شامل میشد. حداکثر مبلغی هم که قرار بود به هر نفر پرداخت کنند ابتدا ۲۰ هزار تومان، و بعدتر ۱۶ هزار تومان و کمی بعدتر از زبان برخی وزرای حکومت حدود ۸ هزار تومان در ماه اعلام شد. و بعلاوه قرار بود میزان پرداختی بسته به درآمد خانواده ها متفاوت باشد و به اکثر مردم کمتر از این مقدار پرداخت شود.

### همه چیز بهم خورد

در همان قدم اول تمام این "قرارها" بهم خورد. با علنی شدن اولین نشانه های اجرای این طرح، زمزمه اعتراضات در میان کارگران و مردم هم بالا گرفت. و به دنبال آن در مجلس اسلامی بحث و نزاعها بر سر این طرح اوج گرفت. و اصلاحات پشت اصلاحات به طرح کذایی وارد گردید. آنچه عاید شد این بود که کلا دهک بندی و خوشه بندی حذف شد و قرار شد برای ساکت کردن مردم به همه افراد یارانه نقدی پرداخت شود. و میزان آن نیز با توجه به اینکه حتی در همان روزهای اول طرح قیمتها بالا رفته بود، قرار شد بیشتر از آن چیزی باشد که دولت اعلام کرده بود. یعنی بجای ده هزار و بیست هزار در ماه برای مرحله اول، دولت ناچار شد ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان و بعداً ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان به هر نفری در کشور پرداخت کند. یعنی طرح زدن سوسید ها بقول پور محمدی تبدیل شد به طرح "حقوق بگیر کردن همه مردم"! در عین حال به دلیل زدن سوسیدها و برخی عوامل دیگر، همانگونه که پیش بینی میشد قیمتها به سرعت به حدود ۶۰ و ۷۰ درصد و این اواخر حتی بعضاً تا ۱۰۰ درصد و دوستان در صد بالا رفت. و این عملاً پولی بسیار بیش از آن یارانه نقدی که به مردم پرداخت میشد را از جیب مردم بلعید و اعتراض و ناخشنودی را در میان مردم دامن زد. روشن است که نفس همین

افزایش قیمتها همچون در آمدی به جیب سرمایه داران و دولت سرازیر میشود. اما هدف دولت این نبود که همه سرمایه داران را از مزایای زدن یارانه ها بهره مند کند بلکه قرار بود صندوق خود را پر نماید که برعکس به دلایلی خالی تر شد. یکی از نمایندگان مجلس میگوید "دولت در یک سال اول ۲۲ هزار میلیارد تومان از زدن یارانه ها درآمد داشته و ۴۰ هزار میلیارد تومان یارانه پرداخت کرده است." معلوم شد که دولت از صندوق ذخیره ارزی و پول نفت برای پرداخت بخشی از یارانه های نقدی استفاده کرده است تا بقول برخی نمایندگان مجلس اسلامی از این امر به نفع جناح خودش استفاده سیاسی ببرد. بهرحال اگر معیار را همین پرداخت ۴۰ هزار میلیارد تومان در یک سال بگیریم، با یک حساب ساده میتوان فهمید که به بیش از ۷۰ میلیون نفر یارانه نقدی به میزان ۴۵۵۰۰ تومان در ماه پرداخت شده است. پور محمدی حق دارد وقتی میگوید قرار نبود اینهمه پول به مردم بدهیم و همه مردم را "حقوق بگیر" کنیم. توضیح دولت احمدی نژاد هم اینست که تقصیر مجلسی ها بود که همه مردم را شامل این پرداخت یارانه نقدی کردند. تا همینجا دولت اسلامی ۷۰ میلیون طلبکار پیدا کرده است که ناچار است هرماه یارانه هایشان را نقدا بپردازد. اما خیر این پرداخت و افزایش قیمتها و گرانی سرسام آور فقط به جیب خود حکومت نمیبرد. بلکه کل بازاری ها و کارفرماها و سرمایه داران ریز و درشت از آن یا بهتر است بگوییم از افزایش قیمتهای ناشی از آن سود میبرند. حکومت هم ناچار است از ذخیره ارزی و پول نفت کمبودهایش را پر کند و تازه یک مشت بخورخور و لفت و لیسسی که در مسیر بوروکراسی و اجرای این طرح صورت میگیرد نیز عملاً بجای

## انرژی هسته ای و سیاست ایران!



مصطفی صابری

از صفحه ۱

جالب و متعددی طرح کردند. همگی ضمن تاکید بر صحت مصوبات و مواضع و تبلیغات تا کنونی حزب، متفق بودند که اکنون بویژه با توجه به شرایط وخیم اقتصادی و اوضاع سیاسی لازم است که در این رابطه مشخصتر حرف زد و فراخوان داد و حتی قرار یا قطعنامه جدیدی داشت ... اینجا قصد این نیست که مباحث جلسه را گزارش کنم. میکوشم دریافت و تاکیدات خود را با تکیه بر مباحث طرح شده بیان کنم.

(۱) "مساله هسته ای" همچنانکه بارها در ادبیات ما آمده در واقع اسم رمز کشاکش عمیقتر و سابقه دارتر بین غرب و جمهوری اسلامی است. غرب میکوشد جمهوری اسلامی را در چهارچوبه سیاستهای خود استحاله و خوش خیم کند. کوتاه آمدن از پروژه هسته ای توسط جمهوری اسلامی يك قدم اساسی از نظر غرب در پیشبرد این سیاست است. از آنسو "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" در وهله اول بیان مقاومت و سرسختی جمهوری اسلامی در قبال این سیاست دول غربی است. چرا که جمهوری اسلامی اگر از وجنات ضدغربی خود دست

بردارد انسجام درونی اش بیش از پیش به مخاطره خواهد افتاد، ایدئولوژی و ابزارهای سنتی سرکوب را از دست میدهد و بقایش بیش از پیش زیر سوال می رود. لذا چاره ای ندارد جز آنکه بر "حق مسلم" خود پای بفشارد. حقی که غرب به رسمیت می شناسد و حاضر است همراه با "مشوق" های زیاد به جمهوری اسلامی بدهد. اما رژیم اسلامی برای بقاء خود نه فقط تداوم خصومت با غرب را ضروری میداند بلکه لازم دارد که خود را پیروز این کشاکش قلمداد کند.

(۲) این وجه سیاسی اما در مورد "انرژی هسته ای" فوراً جنبه نظامی دارد چرا که به روشنی پای بمب اتم را به میان میکشد. همه کس میداند که جمهوری اسلامی میکوشد تا بمب اتم و یا دستکم توانایی تولید و دسترسی فوری به آن را در زرادخانه خود داشته باشد. لذا شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" نه فقط يك شعار سیاسی بلکه يك شعار نظامی جمهوری اسلامی هم هست.

(۳) شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" يك برجستگی ویژه برای رژیم اسلامی دارد چرا که يك شعار اسلامی و صرفاً ایدئولوژیک نیست. بلکه بدرجه ای قادر به بسیج ناسیونالیسم ایرانی پشت سر رژیم است. اینکه "ایرانی باید از توانایی تکنولوژیک و نظامی برخوردار باشد"، يك ترجیح بند تبلیغات رژیم اسلامی حول شعار فوق است و لذا کاربرد فزاینده از همه شعارهای هویتی و تبلیغی رژیم دارد. ناسیونالیسم ایرانی اگر هم مجبور باشد (مثل خود رژیم

اسلامی) در ظاهر از بمب اتم فاصله بگیرد اما معمولاً (بازهم مثل رژیم) رگ گردنش برای "حق مسلم ملت ایران" در برخورداری از انرژی هسته ای بالا میزند. طیفی از اصلاح طلبان و سلطنت طلبان متحد نهان و آشکار رژیم اسلامی در "حق برخورداری از انرژی هسته ای" هستند.

(۴) مجموعه خواص فوق جایگاه منحصر بفردی به شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" در میان ادوات سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتراضات و مطالبات مردم میبخشد. این در واقع شعار اصلی رژیم در مقابله با مردمی است که از زندگی در این استثمار و اختناق مذهبی و این نظام ضد زن و از گور برآمده به جان آمده اند. دقیقاً به همین دلیل است که مردم در خیابانها شعار "انرژی هسته ای نمی خواهیم" را سر دادند. دقیقاً به این دلیل است کارگران "معشیت و منزلت خود" را بعنوان "حق مسلم" مطرح میکنند تا نشان دهند نبرد اصلی در ایران دقیقاً حول دو "حق بقاء" است. یا بقاء رژیم سیاه و کثیف اسلامی بورژوازی ایران و یا معیشت و منزلت و بقاء اهالی آن کشور.

(۵) شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" را باید وسیعاً افشاء کرد. باید آنرا تماماً از دست رژیم اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی بردآورد. و در این رابطه علاوه بر نکات فوق باید به جوانب زیر نیز توجه کرد:

- همچنانکه قبلاً هم در مصوبات و تبلیغات حزب بارها اعلام کرده ایم بمب اتم و سلاح اتمی باید از کره زمین برچیده شود. هیچ کس و هیچ دولتی نباید بمب اتم داشته باشد و

بطریق اولی هرگونه تلاش برای ساختن بمب اتم توسط جمهوری اسلامی باید قویاً محکوم شود.

- انرژی صلح آمیز هسته ای و مثلاً تولید برق هسته ای اکنون و با توجه به مخاطراتی که بطور روز افزون برای زندگی بشر و حیات بر کره زمین پدید میآورد بطور جدی مورد سوال قرار میگیرد. اما اگر انرژی صلح آمیز در دست دولتهایی چون ژاپن و آلمان هم قابل اعتماد نیست، در دست جمهوری وحشی و اسلامی بطریق اولی قابل اعتماد نیست. علاوه بر افشاء اهداف و مقاصد نظامی و سیاسی رژیم از شعار فوق باید نشان داد که حتی اگر هم اینطور نمی بود تا وقتی مافیای جمهوری اسلامی بر سر کار است هر انرژی هسته ای "صلح آمیز" نیز يك تهدید بالقوه و بلائی جان مردم خواهد بود. باید نشان داد کسی که از "حق ملت ایران" در دسترسی به انرژی هسته ای در اوضاع جمهوری اسلامی میگوید خواه و ناخواه آب به آسیاب این رژیم میریزد. باید ناسیونالیسم ایرانی را همراه رژیم افشاء کرد و نشان داد که چگونه در خدمت بقای جمهوری اسلامی است.

(۶) بالاخره و علاوه بر تمام اینها، مقابله با شعار اصلی رژیم يك جنبه بسیار عاجل هم دارد. در شرایط کنونی یعنی اوضاع فروپاشی اقتصادی رژیم اسلامی و تحریم های بسیار گسترده و وحشیانه اقتصادی، و در نتیجه شرایط فقر و بیکاری و گرانی وحشتناک و وخامت بی حد و حصر زندگی کارگران و توده اهالی در ایران، مقابله با پافشاری رژیم اسلامی بر "حق مسلم هسته ای" کذایی يك جنبه فوری و حیاتی برای رهایی جامعه از این اوضاع فلاکت بار دارد.

باید خواهان این شد که جمهوری اسلامی فوراً کل بساط اتمی و انرژی هسته ای را تعطیل کند و تحریم های اقتصادی فوراً برداشته شود.

اینجاست که حزب ما باید نقش فعالتر و دختالگرانه تری بر عهده گیرد. باید مردم را فراخواند که با شعارهای نظیر "انرژی هسته ای تعطیل، نان و آزادی حق ماست!" علیه جمهوری اسلامی دست به اعتراض بزنند. مردم باید از زندگی شان در برابر جمهوری اسلامی دفاع کنند و در کنار شعارهای نظیر افزایش دستمزد و بیمه بیکاری، در کنار اقداماتی نظیر نپرداختن قبض آب و برق و حتی مصادره اقامت معیشتی خود و یا اشغال کارخانه ها و غیره، باید در صفی متحد و بصراحت خواهان برچیده شدن فوری کل بساط اتمی جمهوری اسلامی و قطع فوری تحریم ها شوند. بنظر من غیر ممکن نیست که در اوضاع کنونی ایران حتی پای يك اعتصاب عمومی و سراسری با خواست تعطیل فوری پروژه هسته ای و قطع فوری تحریم ها رفت.

همچنین حزب ما باید کمپین وسیعی را با همین مضامین در خارج از کشور به پیش ببرد و باید با توجه به اضطراری بودن اوضاع در ایران همه ایرانیان ساکن خارج از کشور را دعوت کنیم که برای برچیدن بساط هسته ای، پایان دادن به تحریم ها و دفاع از نان و آزادی و حتی نفس زندگی در ایران به میدان بیایند و بر جمهوری اسلامی و دول غربی فشار بگذارند و افکار عمومی جهانی را برای حمایت از مبارزه و تلاش مردم ایران برای رهایی از شر رژیم اسلامی بسیج کنند.\* (۱۸ اکتبر ۲۰۱۲)

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

## بازتاب هفته

# کنفرانس "حزب التحریر" در دانمارک!



شهاب بهرامی

کنفرانس خطاب به مسلمین جهان، فراخوان به "انقلاب جهانی" در همه کشورها و برپایی حکومت "خلیفه ای" و جاری سازی و اجرای "قوانین شریعه" در همه دنیا بود.

این حزب در سال ۱۹۵۳ میلادی در اورشلیم بنیان نهاده شد ولی پایگاه اصلی و مرکز فعالیت‌هایشان در عربستان سعودی و کشور اردن قرار داشت. یکی از ده ها سکت اسلامی است که اگرچه رسماً دست به اسلحه نبرده ولی بسیار به سازمان القاعده نزدیک است. مراکز عمده فعالیت اروپائی آنها به بریتانیا و دانمارک و تا حدودی به سوئد محدود می گردد. در آلمان جزو احزاب ممنوعه اسلامی-ترورسیستی است و البته در برخی از کشورهای خاورمیانه هم وضعی بهتر از آلمان ندارد. ادعا می کنند که یک میلیون نفر طرفدار دارند. بشدت مخالف سیستم دمکراسی غربی بوده و به هواداران‌شان اکیدا تاکید می کنند

یکشنبه گذشته چهاردهم اکتبر شهر کپنهاک پایتخت دانمارک، شاهد برگزاری کنفرانس "حزب التحریر" در Bella center جایی که کنفرانس جهانی و پرسر و صدای "محیط زیست" سال ۲۰۰۹ آنجا برگزار گردید، بود. این همایش موسوم به کنفرانس اسکاندیناوی، بدعوت سازمان این حزب در دانمارک به نام "حزب آزادی" فراخوان داده شد و نزدیک به هزار نفر در این گردهمایی شرکت کرده و مهمانانی از کشورهای منطقه خاورمیانه و همچنین بریتانیا حضور داشتند. پیام این

که در هیچ نوع انتخاباتی در کشورهای غربی شرکت نکنند. از مجرای تئوری فوق ارتجاعی پست مدرنیستی غرب وارد شده، در زمینه های مسجد سازی و مدارس اسلامی در اروپا بشدت فعال بوده و با امکانات مالی قوی، توانسته اند در بعضی جاها نظرات مساعد چند سیاستمدار کم رتبه و نظریه پرداز دانشگاهی نسبت به فرهنگی را به سوی خود جلب کنند. ماجرای تقاضای پخش اذان در یکی از کمونهای "استکهلم" به این گروه نسبت داده می شود هر چند سازمان امنیت سوئد، فعالیت این گروه اسلامی را خطرناک نمی داند ولی پلیس سوئد مدارکی در دست دارد که نشان دهنده رابطه بسیار نزدیک "تیمور عبدالوهاب" با این سازمان در شهر "لوتون" انگلستان می باشد، او در دسامبر سال ۲۰۱۰ در شهر استکهلم هنگامی که قصد داشت در یکی از شلوغ ترین مراکز خرید کریسمس، بمبی را منفجر کند بر اثر انفجار زود هنگام بمب، خودش منفجر گشت.

در سال ۲۰۰۹ میلادی، سخنگوی این سازمان دو بار به جرم تهدید یهودیان ساکن دانمارک، همچنین تهدید نخست وزیر وقت آن کشور "آندرس راسموسن" به زندان افتاد. بعد از چاپ "کاربیکاتورهای

محمد" در روزنامه سراسری "جیلاند پستن" و دستگیری تعدادی از کسانی که قصد انفجار مرکز این روزنامه را داشتند آذخالت این سازمان برای پلیس دانمارک محرز گشت. با این وجود تقاضای قضای دیوان عالی این کشور مبنی بر ممنوعیت فعالیتهای این "سکت تندرو اسلامی" به اشاره سازمان امنیت این کشور رد شد.

سخنگوی اسکاندیناوی حزب التحریر در جواب سئوالات خبرنگار یکی از روزنامه های جنوب سوئد که در این کنفرانس حضور داشت اظهار نمود که ما ابائی از گفتن اهداف و آرمان هایمان نداریم، ما تلاش می کنیم حتی کشور سوئد دانمارک تحت حکومت خلیفه اسلام در آیند به جای فرهنگ منحط غربی و سکولاریستی، احکام اسلامی جایگزین شود، ما دست دزدان را در همین اسکاندیناوی قطع می کنیم همجنس گرایان را گردن می زیم زنا کاران را سنگسار می کنیم و اجازه نمی دهیم که غریبهها قوانینشان را به ما دیکته کنند.

خانم دکتر "تزرین نواز" سخنگوی بین المللی زنان این حزب در جواب اینککه، اخیراً وزیر بهزیستی دانمارک خانم "آسترید کراگ" که گفته حزب التحریر با سرکوب و بی حقوقی مطلق زنان می

خواهد اینجا دیکتاتوری مذهبی برپا کند می گوید: ابا چنین نیست ارزش های ما با شما متفاوت است مثلاً جدا سازی جنسیتی برای ما ارزش است و از نظر ما لزومی ندارد که زنان با مردان بدون دلیلی موجه، رفت و آمد داشته باشند البته اگر شما قوانینی که مغایر ارزش های اسلامی نباشد داشته باشید، به آن احترام خواهیم گذاشت.

هر چند که باید پناه گویی های این جنایتکاران اسلامی را جدی گرفت و همزمان به پرت و پلا گوئیهای حکومت "خلیفه ای" شان خندید، باید اضافه کرد که تطبیق دادن عقیده اسلام با سیر تکوین اقتصاد سیاسی این جوامع کاری نشدنی است، بحران عمیق جمهوری اسلامی شاهدی بر این مدعا است. بهار عربی همه معادلات سیاسی را به ضرر اسلاميون منطقه بر هم زده، حماس تغییر ریل داده است، طالبان و القاعده بی شاخ و دم شده و جنبشی وسیع و عمومی در پاکستان و افغانستان بر علیه این جنایتکاران بپا خواسته است. در چنین متنی حزب التحریر دیر رسیده و شانس زیادی برای باج گیری ندارد. جنبش وسیع ضد مذهبی ومدرن و انسانی موجود در این جوامع نیز تلاش های این باند های گانگستر اسلامی را به شکست خواهد کشاند.\*

دختران ایران روز سه شنبه این را نشان دادند. استادیوم آزادی و تمام خیابانهای اطراف آن بزودی شاهد جشن بزرگ زنان ایران به مناسبت پیروزی آنها بر علیه جمهوری اسلامی در این نبرد بزرگ خواهد بود.\*

دانشگاه، در کارخانه و در بیمارستان و در گوشه و کنار هر کوچه و خیابان جریان دارد. جمهوری اسلامی بعد از ۳۴ سال حکومت هنوز نتوانسته است زنان را سرکوب کند و خواست قدرتمند آنها برای از بین بردن آپارتاید جنسی را سرکوب کند.

اوباش سرکوبگرش قرار گرفته است که در وحشت از حضور زنان در استادیوم بسیج شده اند، تا پایه های حکومت اسلام را از یورش زنان حفاظت کنند.

تصاویر دخترانی که در رسانه ها منتشر شده در حالی که با کلاه و لباس مردانه در کنار مردان به تماشای مسابقه نشسته و انگشتان خود را به علامت پیروزی در مقابل دوربین گرفته اند و تصویر دختری که با آرایش و ظاهر دختران کره ای توانسته گزمه ها را فریب دهد و مجانی به داخل استادیوم بیاید تا "استادیوم مردانه" را ببیند، صحنه های از یک نبرد بزرگ را نشان می دهند. نبردی که در مدرسه و

## استادیوم آزادی: یک مسابقه و یک نبرد

### بهروز مهرآبادی

استادیوم آزادی روز سه شنبه ۲۵ مهر شاهد یک مسابقه پر هیجان فوتبال بود. دهها هزار نفر تماشاچی مرد در آنجا جمع شده بودند تا شاهد مسابقه ای باشند که با پیروزی تیم ایران بر کره جنوبی خاتمه یافت. در گوشه ای از استادیوم فضایی برای تماشاچیان کره ای اختصاص داده شده بود. تعدادی از دختران کره ای هم در بین تماشاچیان حضور



## بازتاب هفته

## اختلاس!

## هم در ایران، هم در لبنان!

## بهروز مهرآبادی

حزب اله و مالک یک شرکت بزرگ است که سفرهای زیارتی به مکه و شهرهای عراق را برگزار می کند.

روز دوشنبه ۲۴ مهر یک روزنامه اسرائیلی خبر داد که حسن فحص به کشور اسرائیل گریخته است و مقدار زیادی از اسناد حزب اله را با خود برده است. در مقایسه با اختلاس های متعدد و در ابعاد چند هزار برابر بزرگتر که بخصوص در جمهوری اسلامی افشا شده است، دزدیدن ۵ میلیون دلار اهمیت زیادی ندارد، هر چند آن را هم باید در کنار غارتگری های اسلاميون از دسترنج کارگران و زحمتکشان قرار داد. اما این بار اختلاس از صندوق یک سازمان تروریستی و مافیائی صورت گرفته که زیر نظر مستقیم و تحت کنترل بزرگترین قدرت مافیائی و تروریستی جهان یعنی جمهوری اسلامی است.

این به معنی کاهش شدید نفوذ جمهوری اسلامی و بی اعتبار شدن آن در منطقه است. صفوف نیروهای اسلامی وابسته به رژیم نظیر حزب اله به هم ریخته است و تلاش می کنند برای حفظ خود از جمهوری اسلامی فاصله بگیرند. با نزدیک تر شدن سرنگونی رژیم بشار اسد، تلاش می کنند تا پایگاه های جدید پیدا کنند و سیاستهایشان را مطابق ذائقه عربستان و سایر کشورهای عربی تغییر دهند و این موجب افزایش دسته بندی ها و اختلافات در میان آنها شده است. در چنین اوضاع بلبشویی است که دزدان از یکدیگر می دزدند.\*

اگر از مردم کوچه و خیابان سوال شود، "اختلاس" را از واجبات اسلام و یا حداقل از مستحبات آن و از مبانی اصلی جمهوری اسلامی بشمار می آورند. با یک نگاه کوتاه به رسانه های منتشر شده در ایران می توان دریافت که شرح اختلاس های سران حکومت اسلامی بیشترین بخش گزارشات را به خود اختصاص داده است. و احتیاج به گفتن ندارد آنچه که در این مورد در رسانه ها منتشر می شود، فقط نوك يك كوه يخ عظیم است که بیرون از آب دیده می شود. جمهوری اسلامی و نهاد های زیر نفوذ آن را نمی توان بدون "اختلاس" در نظر گرفت، حتی در خارج از ایران و از آنجمله در لبنان.

در اواخر شهریور رسانه ها خبر از یک پرونده اختلاس به مبلغ ۵ میلیون دلار در لبنان دادند. مسئول مالی حزب اله لبنان به اتفاق چند نفر دیگر مبالغ بزرگی از صندوق این حزب اختلاس کرد و جمهوری اسلامی بعنوان پدرخوانده حزب اله یک هیئت ۲۰ نفره برای بررسی این موضوع و سر و سامان دادن به اوضاع به هم ریخته حزب اله به لبنان فرستاد. روزنامه لبنانی الجمهوریه اعلام کرد که حسن فحص و چهار نفر دیگر به خاطر دست داشتن در این اختلاس بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند، اما به احتمال زیاد حجم اختلاس بیشتر از این مبلغ است. "حسن فحص" از رهبران و مدیر مالی

## سخنی با کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان



شها دانشفر

از صفحه ۱

بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن را باید در کنار طومار ۲۰ هزار کارگر با خواست افزایش دستمزد دید و تلاش کنیم که با درس آموزی از همه اینها صف سراسری و متحدی را در برابر تمامی آن چشم انداز تیره و تاری که طبقه سرمایه دار پیش روی ما قرار داده است، ایجاد کنیم. دوستان عزیز!

شما کاری کردید که مقامات دولتی زیر فشار اعتراضاتتان دو روز متوالی به تلویزیون بیایند و رسماً رو به جامعه اعلام کنند که حق با کارگران است و ناگزیر به پاسخگویی شوند. به دنبال یک ماه تجمعات اعتراضی پر شور شما موفق شدید که مقامات مسئول حکومت را وادار به گردن گذاشتن به خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود کنید. آنها حتی ناگزیر شدند که حکم صادر کنند و بر اساس آن ۳۰ درصد افزایش دستمزدهایتان را اعلام کنند. درست است که پرداخت این افزایش دستمزد و ما به التفاوت آن از آغاز سال ۹۱ و در صورت فروش سهام کارخانه انجام خواهد گرفت. ولی نفس این تصمیم يك عقب نشینی است و شما کارگران را در موقعیت قدرتمند تری قرار داده است. دوستان!

شما سالها کار و تلاش و مبارزه کرده اید و گنجینه ای از تجربه هستید؛ باید همه این تجربیات را به کل جنبش اعتراضی کارگری انتقال داد. باید درسهای آموزنده مبارزاتتان و از جمله

مبارزات اخیرتان را به نقطه قوتی برای پیشبرد قدرتمند مبارزات کل کارگران تبدیل کنیم.

در شرایطی که معضل دستمزدهای پرداخت نشده به سیاست معمول در جمهوری اسلامی تبدیل شده است، مبارزات قدرتمند و سازمانیافته شما خصوصاً در یکماه اخیر الگویی خوبی از مبارزه متحد برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده و سد کردن تهاجمات رژیم اسلامی به زندگی و معیشت کارگران است. این مبارزات نشان میدهد که تنها راه کارگران برای تحمیل خواستههای خود مبارزات متحد و پیگیر است. پافشاری هر روزه شما بر روی خواستههایتان و برپایی تجمعات پرشور در وسط شهر، حضور خانواده هایتان در این تجمعات و نیز نقش زنان کارگر در این مبارزات و کشیده شدن این اعتراضات به سطح جامعه همگی الگوهای مدرن و آموزنده ای از مبارزه و اعتراض بود.

شما ۳۲ هزار بازنشسته صنایع فولاد اصفهان با خانواده هایتان نیروی بزرگی هستید و با این نیروی بزرگ میتوان هر خواست و مبارزه ای را با قدرت به جلو برد. خصوصاً در شهری چون اصفهان با ۹۰۰ هزار کارگر که بخش اعظم این کارگران با مشکلاتی چون دستمزدهای پرداخت نشده و یا خطر اخراج از کار روبرو هستند، همچنین در شرایطی که کل مردم این شهر و کل جامعه بخاطر فقر و گرانی به حد انفجار رسیده اند، مبارزات شما تا همین جا يك اتفاق مهم سیاسی و يك پیشروی بزرگ برای همه کارگران است.

واقعیت اینست که اینها همه گوشه کوچکی از قدرت شما بود و امروز در موقعیت بسیار قدرتمندتری قرار دارید. شما به درست بدنبال اولین موفقیتتان با بیانیه ۵ ماده ای خود به جلو آمده

اید و با دست گذاشتن بر خواستههایی چون درمان و بهداشت رایگان برای همه مردم، تحصیل رایگان در همه سطوح و برای همه مردم، افزایش فوری دستمزدها و پرداخت بموقع دستمزدها بطور واقعی پرچم خواستههای کل جامعه را بدست گرفته اید.

همچنین تاکید شما بر متحد ماندن و تداوم تجمعتان تاکیدی حیاتی است. اعلام اینکه در روزهای یکشنبه و سه شنبه بطور منظم جمع میشوید تا خواستههایتان را پیگیری کنید و تلاش شما برای برپایی مجمع عمومی منظم هفتگی تان، پاسخی روشن به این نیاز فوری است. شما با این بیانیه و با این تصمیم بطور واقعی راه موثر متشکل شدن را در مقابل همه کارگران و کل جامعه گذاشته اید.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی بیش از هر وقت در استیصال است. نزاعهای درونی شان دوباره بالا گرفته است. خشم مردم از فقر و فلاکت شدت یافته است. مردم محروم ایران با خواستههایی انسانی دارند به جلو می آیند و حق و حقوقشان را طلب میکنند. مبارزات شما کارگران بازنشسته ذوب آهن و بیانیه مطالباتی تان گوشه ای از این حقیقت مهم است.

و بالاخره لازم میدانم بر يك نکته مهم دیگر تاکید کنم. شما در این مبارزات نقش تلویزیون کانال جدید را در انعکاس وسیع و اجتماعی اعتراضاتتان دیدید، این خود بار دیگر اهمیت استفاده از ابزاری چون کانال جدید و تماس با حزب را برجسته میکند. بنابراین فراخوانم به شما و کل جامعه اینست که با کانال جدید و حزب خود حزب کمونیست کارگری در تماسی فشرده تر باشید.\*

با درود به همه کارگران

۱۸ مهر ۱۳۹۱

International Committee Against Stoning

(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

0049-177-569-2413

## جمهوری اسلامی و "مشوق‌های اقتصادی برای افزایش جمعیت"



محمد شکوهی

شورای عالی انقلاب فرهنگی "مشوق‌های اقتصادی برای افزایش جمعیت" را در ۲۲ بند و چندین تبصره اعلام کرد. در صورت تصویب مجلس، اعطای سکه طلا، تغذیه رایگان، پوشش کامل خدمات بیمه‌ای، درمان ناباروری در دو سطح، اعطای وام مسکن دو برابر وام مسکن معمولی، ۹ ماه مرخصی زایمان با حقوق و ۲۱ ماه بدون حقوق و مواردی از این دست، جزو مشوق‌های اقتصادی برای افزایش جمعیت می‌باشند.

این خبر حکومت در باره سیاست افزایش جمعیت می‌باشد. مدتی است که خامنه‌ای و کل نظام، سودای افزایش جمعیت ایران تا بالای ۱۰۰ میلیون نفر را در سر دارند. از حدود ۵ سال پیش افزایش جمعیت و دادن تسهیلات برای خانواده‌هایی که فرزند به دنیا می‌آورند جزو سیاست‌های دولت احمدی نژاد گشت و احمدی نژاد در وعده‌های انتخاباتی خود سال ۸۸ گفت که برای هر نوزاد تازه متولد شده یک میلیون تومان هدیه می‌دهد. با این سیاست قرار بود "فرهنگ عمومی بچه آوردن اسلامی" تقویت شود، که استقبالی از این سیاست نشد و برای مدتی کنار گذاشته است.

اما در یکی دو ماهه اخیر خامنه‌ای، مقامات و آخوندهای کله گنده نظام، موضوع افزایش جمعیت را بطور جدی در دستور گذاشته و برای آن طرح و نقشه ریخته‌اند. در همین رابطه و در ادامه طرح افزایش جمعیت اخیرا شورای عالی انقلاب فرهنگی "مشوق‌های اقتصادی برای

افزایش جمعیت" را تصویب و برای تصویب نهایی به مجلس ارجاع داده است. پیرامون اهداف و جهت‌گیریهای حکومت در مورد در پیش گرفتن سیاست تشویق افزایش جمعیت دلایل گوناگونی اعلام شده است. به مهمترین دلایل خامنه‌ای، دولت و کل نظام اسلامی پائین تر به آنها اشاره می‌شود. اما پیشاپیش باید گفت پایه و اساس آنچه حکومت به عنوان دلایل سیاست افزایش جمعیت اسم می‌برد، در واقع نگرانی‌های حکومت می‌باشد. نگرانی از سست شدن بنیاد خانواده، عدم تمایل زنان و دختران و جوانان به تشکیل خانواده به زندگی با نرم‌های حکومتی، تغییر ساختارهای بنیادی در روابط اجتماعی، بویژه ازدواج، تشکیل خانواده، نقش زنان در خانه داری، گرایش فرهنگ عمومی نسل جوان. که بیش از ۵۶ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. به نرم‌های دیگر زندگی و خانواده مجردی و ... می‌باشد.

جمهوری اسلامی معتقد است که اگر این وضعیت ادامه داشته باشد، در دو دهه آینده جمعیت کشور به کاهش خواهد رفت و این یک خطر است. اینها می‌گویند که در دو دهه آینده بیشترین درصد جمعیت بالای ۶۰ سال خواهند بود. اگر همین حالا برای جبران کسری جمعیت اقدام نشود، خطرات جدی جامعه ایران، البته منظور برای نظام به دنبال خواهد داشت. خامنه‌ای و آخوندها در کنار این نگرانی‌ها و برای تقویت سیاست‌های دفاع از افزایش جمعیت، مشتی اقتصاددان بسبجی، سپاهی و حوزه علمیه‌ای را راه انداخته و ثابت کرده‌اند که ایران از "هر نظر" قدرت و توانایی تامین تغذیه، مسکن و زندگی برای جمعیت بالای ۱۵۰ میلیون نفر را دارد.

پیرامون ضرورت تشویق به ازدواج اسلامی، بچه دار شدن، ممنوعیت وسایل جلوگیری از بارداری، درکنار ورد و دعا و جادو جنبر، کل

حکومت رویای افزایش جمعیت را در سر دارد. بخشی از نگرانی حکومت پیرامون عدم التزام نسل جوان به زندگی در جامعه اسلامی و خانواده اسلامی، حایگزین شدن وبخشا شکست سیاست‌های تنظیم خانواده و جمعیت حکومت، گرایش شدید نسل جوان به نرم‌های غربی زندگی و ازدواج، کار و فعالیت، عملا اعتراف به شکست پروژه اسلامیزه کردن جامعه ایران می‌باشد. شکستی که خود حکومت صدها بار به آن اعتراف کرده است. برای مقابله با این وضعیت و برای رفع خطر، آخوندهای کله گنده در حوزه‌های علمیه قم و مشهد و تحت رهبری خامنه‌ای فرمان "جهاد افزایش جمعیت" اعلام کرده‌اند. حکومت و خامنه‌ای و کل نظام خطر بزرگتری را که در کمین نشسته می‌بینند و به خیال خود برای شکست این دشمن دارند طرح و نقشه می‌ریزند. طرح و نقشه افزایش جمعیت. اینها سودای افزایش نسل اسلام و ایران اسلامی، خانواده اسلامی را در سر دارند. معتقدند که می‌توانند تا دو دهه آینده بر سرکار بمانند و دودنسل جمعیت مطابق با الگوها و داده‌های اسلامی و مذهبی، برای تقویت اسلام را سازمان بدهند. خامنه‌ای، مصباح زدی، صافی و گلپایگانی و خیل آخوندهای کله گنده حکومت، راه نجات جمهوری اسلامی و "امت اسلام و فرهنگ بسیجی و شهادت" را در افزایش جمعیت می‌بینند. اینها برای مهیا کردن "شرایط ظهور"، تدارک درست کردن لشکرهای امان زمان را می‌بینند. بخش‌هایی از حکومت حتی با عجز و لایه رسما اعلام می‌کنند، نسل جوان "فاسد" شده، آمیزه‌های اسلامی و امام‌زمانی ندارد، سودای جنگ و شهادت در جبهه حق علیه باطل را ندارد، مادیرا و غربی‌گرا شده‌اند و اگر اینطوری پیش بروند، ریشه‌های "شجره طیبه حکومت الهی و دولت امام زمان" خشک

خواهد شد. در نتیجه باید افزایش جمعیت مورد نظر اسلام و آخوندها را در پیش گرفت. افزایش جمعیت برای "نجات اسلام و کیان نظام!" این فلسفه اسلامی نظریه افزایش جمعیت خامنه‌ای و کل نظام می‌باشد. اینها واقعا فکر می‌کنند که با دعا، کلید بهشت، تسبیح و مهر نماز، چغیه‌های شهادت، هاله‌های نور امام‌زمانی و با پرهیز از مادیراگری، افزایش جمعیت مورد نظرشان را عملی خواهند کرد. اینها برای اسلام و امام زمان هر چه هزینه بدهند، باز کم است، چرا که زندگی و لذت بردن از زندگی، تامین رفاه و آسایش با همه امکانات لازم، آزادی و برابری، برای اسلام و ظهور امام‌زمان سم است. این هزینه را هم مردم باید بدهند و به جیب گشاد نایبان میلیاردی امام زمان واریز کنند. تصویر این حضرات از تامین زندگی جمعیت بالای ۱۰۰ میلیون نفر، تصویر ۱۴۰۰ سال پیش است. با این تصویر و با این مشوق‌هایی که دارند می‌دهند، خامنه‌ای و کل نظام وارد "جهاد افزایش جمعیت" میشوند. اینکه این سیاست تا چه حد قابل اجرا می‌باشد، خود زیر سوال است.

سیاست‌های افزایش جمعیت جمهوری اسلامی، به استثنای دهه اول بعد از پایان جنگ هشت ساله، علیرغم همه تلاش‌هایش به نتیجه نرسیده است. در کنار شکست این سیاست، یک خطر بزرگ و اجتماعی قدرتمند در درون جامعه کل نظام و ارزش‌ها و بینان‌هایش را به مصاف طلبیده است. نسل جوان! نسلی که در همه عرصه‌های زندگی سیاسی اجتماعی و فرهنگی هر روزه اش به حکومت نه گفته و می‌گوید. نسلی که بطور واقع در صحنه‌های اصلی نبرد برعلیه جمهوری اسلامی و الگوی اسلامی اش، وارد جنگ با کل حکومت اسلامی شده است. این

نسل این مشوق‌ها را جدی نمی‌گیرد. این نسل نمی‌خواهد و نخواسته سرباز گمنام امام زمان بشود. سیاست‌های افزایش جمعیت حکومت با مشوق و بدون مشوق راه به جایی نخواهد برد. تامین اقتصادی و یک زندگی با امنیت و رفاه و آرامش، با برخورداری از همه امکانات یک زندگی بهتر، زیستن در جامعه‌ای آزاد و پر از رفاه خواست اصلی همه مردم ایران می‌باشد. کارگران و مردم ایران برای تحمیل این زندگی به حکومت، بیش از سه دهه است که می‌جنگند. انتظارات، توقعات مردم از استانداردهای زندگی انسانی، از جمله خانواده و فرزند داری بسیار بالا رفته است. حکومت نتوانسته این توقعات را عقب زده و به شکست بکشاند.

علاوه بر این خود حکومت و کل نظام از تامین حداقل‌های یک زندگی بخور و نمیر برای همین جمعیت بالای ۷۰ میلیون در مانده می‌باشد. حکومت نه خواسته و نه می‌خواهد زندگی مردم را بهبود ببخشد. جنگ مردم با حکومت بر سر زندگی و انتظارات و توقعات با قدرت ادامه دارد. در کنار این وضعیت، خود حکومت و کل دم و دستگاه سرکوبگرش همه پول و ثروت و امکانات جامعه را فقط برای خودشان در دست گرفته‌اند. سه دهه است زندگی و دار و ندار مردم را به یغما برده‌اند. نمایندگان خدا و امام‌زمانشان در همین ایران ۷۰ میلیونی برای خودشان زندگی‌های افسانه‌ای ساخته‌اند. خامنه‌ای و آخوندهای کله گنده، به همراه کمتر از ۷ درصد از جمعیت که جزو عمده و اگر حکومت می‌باشند، بیشترین امکانات و ثروت جامعه را در دست دارند. و فقط برای حفظ نظام سرکوب، اعدا و سنگسار، هزینه می‌کنند. برای جانوران وحشی زندگی و تامین زندگی مردم هیچ

## ۱۱ اکتبر روز جهانی دختران



سوسن صابری

مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر سال گذشته، سال ۲۰۱۱، روز یازده اکتبر را بعنوان روز جهانی دختران اعلام کرد. هدف از تعیین چنین روزی جلب توجه افکار بین المللی به وضعیت اسفبار زندگی میلیونها دختر در سطح جهان اعلام شده است. مبتکر اصلی تعیین روز دختران، سازمان پلان، يك سازمان جهانی

مدافع حقوق کودک است که با پافشاری موفق شد اعلام این روز را به سازمان ملل تحمیل کند. محرومیت از سواد آموزی و تحصیل، ازدواج کودکان، ازدواج اجباری، مرگ در اثر حاملگی در سنین کودکی، خشونت ناموسی و خشونت جنسی سهم میلیونها دختر از زندگی در دنیای پیشرفته کنونی است.

آمار، ارقامی که تنها بخشی از واقعیت را نشان میدهند، گواه ستم و تبعیضی است که نه فقط بدلیل فقر و فلاکت بلکه بدلیل جنسیتی بر بخش بزرگی از دختران روا داشته میشود. ۷۵ میلیون دختر از تحصیلات اولیه محرومند و در مناطقی از جهان که جنبش ضد زن اسلامی قدرت تحرک دارد،

مبارزه علیه این وضعیت با گلوله پاسخ می گیرد. ملالی یوسف زی دو روز قبل از روز جهانی دختران، روز ۹ اکتبر، به گلوله بسته شد. در ایران رژیم ضد زن جمهوری اسلامی دختران را از شرکت در ۷۲ رشته دانشگاهی محروم کرده است. دختران همچنین در بخشهای بزرگی از جهان قربانیان پدیده دردناک ازدواج کودکانند. ما شاهد ۱۰ میلیون ازدواج کودک هستیم. در ایران در سال ۱۳۸۹ با ازدواج ۴۲۰۰۰ کودک ۱۰ تا ۱۴ سال روبرو بودیم. بین سالهای ۸۶ تا ۸۹، تعداد ۱۵۰۰۰ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله طلاق گرفته اند. به این آمار باید تعداد ۸۰۰ کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله را اضافه کرد. کودکان مطلقه ۱۰ ساله!

به گزارش سازمان جهانی پلان، ۱۵۰ میلیون دختر زیر ۱۸ سال مورد خشونت جنسی قرار گرفته اند. هزاران دختر در سطح جهان بویژه در کشورهایی که اسلام سیاسی نقش ویا قدرت دارد، قربانی خشونت ناموسی و قتلهای ناموسی اند. فرهنگ کثیف ناموسی حتی در اروپا نیز قربانی میگیرد. حتی در اروپا نیز دختران از خانواده های با ارزشها و سنن ناموسی و مذهبی، حق تصمیم گیری در مورد زندگی خود را ندارند. ازدواج اجباری جنایت دیگری است که میلیونها دختر را به خاک سیاه نشانده است. هر روز ۲۰۰۰۰ دختر زیر ۱۸ سال مجبور به ازدواج میشوند. بعد از ازدواج مجبور به ترک مدرسه و تحصیل شده و راه پیشرفت و کسب علم و دانششان بسته میشود. خیلی ها خودسوزی می کنند. بهترین سالهای زندگیشان که میتوانست با

شادی و امید به يك زندگی بهتر بگذرد، در پستوی آشپزخانه به تباهی کشیده میشود. و نه تنها تباهی، بلکه مرگ هم بسراغشان می آید. سالانه ۷۰۰۰۰ دختر در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال، در اثر حاملگی زودرس جانشان را از دست میدهند.

سیستم ضد انسانی سرمایه داری، مذاهب و سنن عقب افتاده ضد زن و ضد کودک زندگی میلیونها دختر در سطح جهان را به تباهی کشانده اند. اما دختران و زنان جوان تسلیم نشده و در سنگرهای مختلف علیه این ستم و تبعیض آشکار ضد انسانی مبارزه می کنند. برای تقویت این مبارزه میتوان از روزهایی همچون ۱۱ اکتبر بهره برد. این روز هم میتواند فرصتی برای طرح کيفرخواست جنبش جهانی برابری طلبانه مدافع حقوق کودک باشد.\*

## اتباع خارجی!؟

### فرح صبری

سالهاست که موضوع بیحقوقی مطلق "اتباع خارجی" در ایران مطرح است. انسانهایی که معلوم نیست تا چند سال و چند نسل بعد از سکونت و کار مشقت بار در ایران به عنوان "خارجی" قلمداد میشوند. بیحقوقی مهاجران در ایران ابعاد بسیار گسترده ای دارد که یکی از جوانب آن، ازدواجهایی است که زنان ایرانی با مهاجران یا همان "اتباع خارجی" دارند. این ازدواج ها اکثرا در مناطق بسیار محروم و فقیر رخ میدهد و زنان و دختران جوانی که تن به چنین ازدواجهایی میدهند در واقع از زور فقر و بی پناهی زندگی پر مشقت "بی هویتی" را آغاز

میکندند. و از آنجا که زنان در ایران هیچ نقشی در هویت فرزندانشان ندارند، بالطبع کودکانی که از اینچنین ازدواجهایی متولد میشوند، بیهویتی پدرانشان را به ارث میبرند و آنها نیز "خارجی" خطاب میشوند و حتی از داشتن شناسنامه نیز محروم هستند. و اگر با هزار مصیبت بتوانند يك برهه مجوز بگیرند باید همواره خراجهای زیادی را به ماموران حکومتی پرداخت کنند، برای مدرسه رفتن فرزندانشان باید از هفت خوان بگذرند و همیشه هم در این مسیر پول زیادی را باید پرداخت کنند. این زنان همواره با ترس از اینکه با هر یورشی که به سمت مهاجران تدارک دیده

میشود، باید منتظر باشند که همسرشان را بازگردانند و این زنان و کودکان سرگردان در جامعه باقی بمانند.

کم نبودند زنانی که با هزار مصیبت کودکانشان را بزرگ کرده اند و در يك یورش نا بهنگام بدون اطلاع قبلی فرزندان را به کشور زادگاه پدرشان فرستاده اند و نوجوانان و جوانانی که به این ترتیب دیپورت شده اند در کشور مرجع هم کسی را نمی شناسند و بی پناه و سرگردان میمانند. چنین رفتار برده واری با انسان در قرن بیست و يك قابل تصور نیست.

چندی پیش خانمی را دیدم که میگفت بدلیل اینکه همسرش افغانستانی است به فرزندانش هم یارانه پرداخت نمیکنند. او میگفت هزینه های مدرسه کم بود که باید چند برابر هر شهروند ایرانی پرداخت کند، حالا بدلیل

اینکه یارانه نمیگیرد در واقع هزینه های بیشتری را تحمل میکند. بچه های او از هیچ بیمه ای برخوردار نیستند و هزینه درمان را نیز چند برابر میپردازد. او میگفت به هر اداره ای که مراجعه میکنم طوری با من رفتار میکنند که گویی مرتکب جنایتی شده ام که با يك افغانستانی ازدواج کرده و این فرزندان را دارم. او میگفت: یکبار شوهرم مرا وادار کرد که به افغانستان برویم و آنجا زندگی کنیم، چند سالی در افغانستان ماندیم ولی من و بچه هایم نتوانستیم تحمل کنیم و بازگشتیم اما همسرم نتوانست باز گردد. او مسبب همه مصیبتهايش را قوانینی میدانست که هویت فرزند را از روی زادگاه پدر تعیین میکنند. به هر گوشه ای از زندگی در

این جامعه که نگاه میکنی کوهی از درد و رنج میبینی که بدلیل وجود قوانین فاشیستی جانوران اسلامی ایجاد شده است و معضلات پیچیده ای را بوجود آورده است.

و تمام این معضلات بهم ارتباط تنگاتنگی دارد و همه این مشکلات و دردها را با از میان برداشتن هیولای حکومت اسلامی و به زباله انداختن قوانین فاشیستی آن، میتوان حل کرد. باید همه انسانها به جایی تعلق داشته باشند که در آنجا زندگی و کار میکنند. در يك دنیای انسانی کسی عنوان "تبعه خارجی" را بدوش نمیکشد و همه انسانها از زن و مرد با هر قومیت و ملیتی برابر خواهند بود. برای محقق شدن این آرزوی انسانی باید متحد شد و کار این جانوران اسلامی را یکسره کرد.\*

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## "هدف"، توده مردم

یاشار سهندی

اتحادیه اروپا در هفته گذشته تحریمها علیه ایران را با تصویب قطعنامه دیگری شدت بخشید. "هدف" ظاهرا مخابرات و صادرات جمهوری اسلامی است به اضافه يك نفر از وزرا و و سی چهار تا شرکت؛ و ضمنا دو نفر از کسانی که قبلا در لیست تحریم بودند یعنی خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی و جهرمی مدیر عامل قبلی بانک صادرات، از لیست خارج شدند. این دو شریکان جرم اصلی اختلاس سه هزار میلیاردی معروف هستند که یکی را جمهوری اسلامی فراری داد و دیگری با مصونیت کامل لابد الان دارد در دزدی دیگر انجام وظیفه میکنند. گویا این از خاصیت "تحریمهای هوشمند" است وقتی متوجه شدند یکی از این دزدان نقشی مثلا در ماجرای اتمی ندارند میتوانند در لیست تحریم نباشند. گویا قرار بود در این تحریمها توده مردم ایران هدف نباشند برای همین "هوشمند" خوانده شدند.

ویلیام هیگ وزیر امور خارجه انگلستان در مصاحبه با بی بی سی فارسی گفت: "هدف مردم ایران نیست. هر چند این تحریمها مردم را تحت فشار میگذارد اما مردم ایران باید بدانند این دولت ایران است که موجب این تحریمها شده است و هدف کشاندن دولت ایران به پای میز مذاکره بر سر مسایل هسته ای است". محمدی سردبیر کیهان لندن در گفتگو با شهرام همایون تاکید

میکند: "تا مردم ایران معترض این حکومت نشوند و به خیابان نیایند این تحریمها شدت بیشتری خواهد یافت." شهرام همایون هشدار میدهد: "خانمها و آقایان فاجعه ملی در راه است. دلار تا شش هزار تومان شاید هم بیشتر بالا خواهد رفت." این سه تن در این نظرات تنها نیستند تمامی دولتهای غربی و اپوزیسیون راست حکومت همین سخنان را تکرار میکنند و به گونه ای هم حرف میزنند که خود مردم ایران مقصردند. يك اینکه این دولت مردم ایران است، گویا مشروعیت اش را از مردم گرفته است و دوم اینکه اگر مردم ایران معترض نشوند پس این خود مردم ایران هستند که مقصر هستند؛ لابد حکومت اسلامی را میخواهند. دولت سوئد با تحریمها جدید مخالفت میکرد چرا که شرکت اریکسون سوئدی در ایران منافع زیادی را از دست میدهد چرا که این شرکت با در اختیار گذاشتن امکانات کنترل تلفنهای مردم سودی زیادی نصیبش شده و ظاهرا دول دیگر اروپا باید ایشان را قانع کرده باشند که ضرر وارده جبران میشود. روسیه مخالفت خود را با وضع "تحریمهای يك جانبه" اعلام

داشته این یعنی به دولت ایران پیام داده که راه خودت را برو ما پشتیبان شما هستیم.

این جنگ ظاهرا دیپلماتیک تماما دودش به چشم مردم ایران میرود. ویلیام هیگ در همان مصاحبه تاکید میکند: "دوره بیشتر نیست یا جنگ یا تحریم" ظاهرا تحریم بهتر است. راه حلی که همیشه بورژوازی پیش پای مردم میگذارند انتخاب بین بد و بدتر است هر چند که هیچگاه این بد و بدتر را هم مردم تعیین نمی کنند. تحریمها دست کمی از جنگ ندارد. همین الان بسیاری از اقلام دارویی نیست، اگر هم هست با دلار و با قیمتی گزاف عرضه میشود. تمامی کالاها به طرز وحشتناکی گران شده است این یعنی سفره مردم به شدت خالی شده. بسیاری از کارگاهها تعطیل شدند و یا در آستانه تعطیلی هستند دو شرکت بزرگ خودرو ساز یعنی سایپا و ایران خودرو تولید شان به شدت کاهش یافته و سه شیفت کاری به يك شیفت تقلیل پیدا کرده و به دنبال هر بهانه ای میگردند که تعطیلی اعلام کنند. و به گونه ای ساعات کار را تنظیم کردند که کارگران را قبل از ساعت ۲ بعد از ۸ ساعت کار به خانه بفرستند و به این بهانه نهار را نیز قطع کرده اند. تقریبا تمام "مزایایی" که کارگران داشتند قطع شده،

کاهش تولید در این دو کارخانه با توجه به اینکه بعد از صنعت نفت یکی بخش مهم از صنعت ایران میباشند، بسیاری از کارگاههای کوچک را که وابسته به کار تولید خودرو بودند به ورشکستگی کشانده است. با تحریم جدید اتحادیه اروپا که صدور فولاد را به ایران ممنوع ساختند صنعت ایران در آستانه نابودی است. این به معنای هجوم دیگری به سطح معیشت و زندگی توده کارگران است. میگویند داروها و مواد غذایی در لیست تحریمها نیست اما عملا با گران شدن دلار و سقوط ریال تهیه این اقلام روزبروز آن برای توده مردم مشکلتر میشود. و گفته شوم اسدالله عسگری اولادی میلیاردر مسلمان محقق میشود که اول سال وعده داده بود تا شش ماه دیگر قحطی میشود.

جناب هیگ و بسیاری دیگر مانند محمدی سردبیر کیهان نه تنها دوست ندارند یادشان بیاید که راه دیگری هم هست، بلکه مخالفت هم میکنند. و آن تعطیلی تمامی سفارت خانه های جمهوری اسلامی و اخراج این حکومت از سازمانهای بین المللی مانند کار و ملل متحد است. در نمونه کانادا شاهد بودیم که بسیاری از اپوزیسیون راست حکومت به

شدت با اقدام دولت کانادا در تعطیلی سفارت این حکومت مخالفت کردند چون گویا ایرانیان کارهای کنسولی شان مختل میشود و دیگر اینکه کسی نیست که دولت کانادا مخالفت خودش را با فلان اقدام ضد بشری جمهوری اسلامی، به او اعلام کند!

تمامی تحریمهای اقتصادی هدفش چه مستقیم و چه غیر مستقیم مردم يك کشور است و این بارها و اکنون بارها ثابت شده است و اکنون ما مردم ایران آنرا تجربه میکنیم. اگر قرار است تحریمی وضع شود ساده ترین و بی ضررترین آن برای توده مردم "تحریم سیاسی" این حکومت است و مقدمه این کار این است که دولتهایی مانند انگلستان قبول کنند که این حکومت هیچ مشروعیتی ندارد و نماینده مردم ایران نیست. البته نمی توانند چون خود آنها سی و اندی سال است زیر بال این حکومت را گرفتند و یا مانند دولت سوئد قراردادهای اقتصادی با این حکومت دارند یا میخواهند در آینده داشته باشند. چاره کار اما بدست ما مردم است نه بخاطر اینکه جمهوری اسلامی "جام زهر" را سر بکشد بلکه بدین خاطر از کلا از صحنه سیاسی جامعه حذف شود و راه آن سرنگونی این حکومت است.\*

# اساس سوسیالیسم انسان است!



## رکورد شکنی قیمت ها و "رزمایش بیت المقدس"



بهروز مهربادی

دلار و سکه طلا دو شاخص اصلی در اقتصاد ایران است. قیمت دلار در بازار از مرز ۴۰۰۰ تومان گذشت و نسبت به یک سال گذشته بیش از سه برابر شد و قیمت سکه طلا هم از یک میلیون و پانصد هزار تومان بالاتر رفت. قیمت اجناس و مایحتاج مردم هم به همان نسبت افزایش یافت و رکوردهای تازه ای از فقر و فلاکت رقم زده شد.

انگشت اتهام به طرف دولت یعنی در اختیار دارنده اصلی منابع ارز گرفته شده است. عوض حیدرپور عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس،

بانک مرکزی را متهم کرد که روزانه بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار را از طریق ۵ دلال وارد بازار کرده است تا مابه التفاوت بین دلار مرجع به قیمت ۱۲۲۶ تومان و قیمت بازار آزاد را به عوامل دولتی سرازیر کند. روزنامه کیهان به آن دسته از مقامات دولت که بالا رفتن قیمت ها را به گردن تحریم ها می اندازند، حمله کرده و می نویسد که "مجموعه ای از کلان سرمایه داران سودجو و دنباله های داخلی دشمنان بیرونی" گرانی ها را به تحریم ها نسبت می دهند. اما احمدی نژاد پای یک نهاد بالاتر را به میان می کشد و در نشست خبری خود در ۱۱ مهر می گوید: "یک نهاد نظارتی از بانک مرکزی خواست که قیمت ارز را بالا ببریم." او نمیگوید این نهاد بالاتر که ولی فقیه هم در مقابلش سجده می کند، چیزی بجز "صندوق جهانی پول" نیست که سیاست حذف سوسیدها و یا به اصطلاح "هدفمند کردن یارانه ها" و شناور کردن نرخ ارز را به جمهوری اسلامی دیکته کرده

است.

آنچه که همه باند های حکومتی، حتی اپوزیسیون درون نظام و حتی اپوزیسیون بورژوازی در آن متفق القول هستند پیروی از سیاستهای صندوق جهانی پول و بانک جهانی است. یک سال قبل احمدی نژاد در یک سخنرانی در همدان اعلام کرد: "ما آنقدر ذخیره ارزی داریم که تمام نیازهای کشور، تمام واردات کشور و مسافرت های کشور را به خوبی انجام دهیم." در آن زمان قیمت ارز بطور ناگهانی ۴۰ درصد افزایش یافته و به ۱۲۵۰ تومان رسیده بود.

بر اساس اخبار منتشر شده و به گفته مقامات رسمی رژیم فقط در ۵ ماهه اول امسال بیش از ۱۵۷۰۰ خودروی لوکس به مبلغ ۳۴۱ میلیون دلار وارد شده است. نزدیک به ۷۸ درصد ارز لازم برای ورود این خودروها با نرخ مرجع یعنی هر دلار ۱۲۶۰ تومان در اختیار وارد کنندگان قرار داده شده است. این اتومبیل ها بیشتر از نوع پورشه، بنز و مازاراتی هستند که متوسط قیمت هر دستگاه از

این اتومبیل ها نزدیک به ۲۲۰ هزار دلار می شود و این فقط گوشه ای از غارتگری هایی است که هر روزه توسط دست اندرکاران رژیم انجام می شود.

اما مردمی که سفره های خالی و کودکان گرسنه خود از طرفی و چپاول آشکار دسترنجشان توسط اوپاش حاکم را می بینند، نمی توانند ساکت بمانند. این را متخصصین صندوق جهانی پول هم پیش بینی کرده اند. شورش گرسنگان طبیعی ترین واکنش در مقابل فقر و فلاکت روزافزونی است که به آنها تحمیل می شود. پیشبرد سیاست های صندوق جهانی پول بدون سرکوب و کشتار و بدون ایجاد فضای رعب و وحشت امکان پذیر نیست. برگزاری مانور سه روزه نیروهای سرکوب رژیم تحت عنوان "رزمایش بیت المقدس" بدون شک به همین منظور است. این مانور از روز چهارشنبه ۲۷ مهر آغاز شده و خیابانهای تهران شاهد حضور تعداد بسیار بیشتری از گله های بسیجی و پاسدار است. به گفته محسن

کاظمینی فرمانده سپاه ضد شورش تهران ۱۲۰ گردان رزمی، ۳۰ گردان پشتیبانی و ۱۸۰ گردان الزهرا و عاشورا در این مانور نظامی شرکت می کنند و بیش از ۱۵ هزار بسیجی برای شرکت در این مانور به کار گرفته شده اند.

این قدرت نمایی جمهوری اسلامی را باید به حساب هراس و وحشت از مردم گذاشت. رژیم دیگر نمی تواند هراس خود را از به خیابان ریختن مردم و اوج گرفتن جنبش سرنگونی پنهان کند، از درون پوسیده است و بوی تعفنش همه دنیا را فرا گرفته. تقلا های رژیم برای اینکه خود را مطیع سرمایه داری جهانی نشان دهد، هم نمی تواند برایش فایده ای داشته باشد، تناقضات سیاسی جمهوری اسلامی با دنیای خارج از خودش آنقدر عمیق است که امکان بقای آن را غیر ممکن می سازد. این فرجه بزرگی است که مردم ایران از آن به موقع خود استفاده خواهند کرد. لحظه مناسب برای فرود آوردن ضربه نهایی خواهد رسید.\*

بطور واقعی برای جمهوری اسلامی راهی جز تسلیم شدن به سرنوشت باقی نمانده است، و این سرنوشت چیزی جز سرنگونی با انقلاب و شورشهای بنیان کن چیز دیگری نمیتواند باشد.\*

زود پرداختی های مرحله اول را نیز متوقف کند بدون اینکه یارانه ها را به روال قبل از این طرح بازگرداند. و این میتواند مثل بمبی در شرایط فلاکت بار و گرانی بی مهار کنونی عمل کند.

به ۷۰ میلیون نفر را چگونه بپردازد. بلکه مساله اساسی تر اینست که این طرح به دلایلی که اشاره شد، مدام دارد با خود تورم و گرانی به جامعه صادر میکند. و این گرانی فزاینده در شرایط تحریمها و فلج اقتصادی، گذران زندگی برای مردم را به کابوس هر لحظه تبدیل کرده است. در این فضا روشن است که بقول یکی از آخوندها "خطر شورشهای بنیان کن" بسیار جدی است و بقول یکی دیگر از آخوندهای نماینده مجلس اسلامی "هر نفری که به صف بیکاران اضافه میشود یک بمب است که نظام را تهدید میکند." در این شرایط خطیر، جمهوری اسلامی به دلیل ورشکستگی و فلج اقتصادی ناچار است دیر یا

### شکست "طرح یارانه ها"، آخر خط

از صفحه ۲

اینکه دردی از دردهای بی درمان حکومت را دوا کند، خود در این شرایط فلج اقتصادی، به معضلی برای حکومت تبدیل شده است.

#### مرحله اول نیز رفتنی است

در مرحله دوم طرح یارانه ها که چندماه پیش تصویب شده بود و در این ماه توسط مجلس متوقف شد قرار بود ماهیانه ۷۳ هزار و ۵۰۰ تومان به هر نفر پرداخت شود و در عوض بخش دیگری از سوسیدهای حاملهای انرژی و غیره زده شود. که هم این میزان پرداخت نقدی و هم زدن بیشتر

### توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بروی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۲ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

netv.tamas@gmail.com

# سخنرانی و بحث در پالتاک

## سخنرانان

مینا احدی      محسن ابراهیمی



## موضوع:

# ستم ملی در آذربایجان و راه حل آن

مسائل مشترک آذربایجان با سایر نقاط ایران

جایگاه زبان ترکی در آموزش و فعالیت فرهنگی در آذربایجان  
چرا فدرالیسم یک راه حل ارتجاعی است؟

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و ناسیونالیسم قوم پرست  
ترک دو روی یک سکه هستند!

راه حل انسانی ستم ملی چیست؟

## زمان:

شنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۱۲، ۲۹ مهر ۱۳۹۱

ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا، ۸ شب بوقت اروپای مرکزی،  
۹ و نیم شب بوقت ایران

## مکان:

پالتاک، اتاق صدای انقلاب

Asia and pacific, Iran, farsi, Azarbaycan Sedaye  
Enghelab

این سخنرانی به زبان فارسی برگزار خواهد شد

۱۵ اکتبر ۲۰۱۲

# چه کسی می خواهد آمریکا را نجات دهد؟



ناصر اصفری

آمریکایی ها لاشخور و مفتخورند. جالب اینجاست که ۴۷ درصد از ۳۱۴ میلیون نفر می شود چیزی حدود ۱۵۰ میلیون نفر. برای يك لحظه بیابید این فرض مزخرف را از آمار دم و دستگاه هیأت حاکمه آمریکا قبول کنیم که ۴۷ میلیون نفر وبال دیگران هستند. حتی با این فرض مشمتر کننده و با يك حساب سرانگشتی معلوم می شود که ۱۰۰ میلیون نفری هم که "کوپین غذایی" دریافت نمی کنند و با عرق جبینشان روزگار میگذرانند، از نظر جناب میت رامنی انگل و مفتخور هستند و لابد باید به دریا ریخته شوند! يك سری به اینترنت زدم که ببینم آقای میت رامنی که می خواهد آمریکا را نجات دهد، خود چه موقعیت اقتصادی دارد. او که از بدبخت شدن هر چه بیشتر آمریکایی ها حرف می زند و درباره کسانی که با "کوپین غذایی" روزی می گذارند، چنین اظهار نظر می کند، چه چیزی از زندگی آنها می داند؟! در ویکیپدیا کنرا به يك لیست از درآمد و دارائی های خانواده ایشان نگاه کردم. چیزی نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار دارائی و پس انداز آنجا لیست شده است. همانجا یادآوری شده است که این فقط بخشی از دارائی ایشان است که رو شده است. از بخش عظیمی از دارائی های امثال میت رامنی، هیچ وقت مردم عادی باخبر نمی شوند. میت رامنی می خواهد آمریکای ورشکسته را نجات دهد؛ اما از چه کسانی و برای چه کسانی؟

در نوشته پیشین در همین رابطه گفتم که اینها (میت رامنی و پال راین) از طرفداران سیاستهای ایان رند هستند. ایان رند و به اصطلاح فلسفه اش، جامعه آمریکا را يك جامعه سوسیالیستی معرفی می کند و می خواهد قهرمانی پیدا شود که مالکان آمریکا را از این سوسیالیسم نجات دهد؟! ظاهرا قهرمانشان را پیدا کرده اند. میت رامنی!\*

۱۲ اکتبر ۲۰۱۲

آمریکا کشور بزرگی با جمعیتی بالغ بر ۳۱۴ میلیون نفر، بزرگترین اقتصاد و بزرگترین ارتش جهان و چیزهای زیاد دیگری که بزرگترین در دنیا هستند را نیز دارد. آدمهای زیادی قصد دارند آن را از مصیبت هایی که دچار آن است، نجات دهند. از شوخی های احمقانه احمدی نژاد و چاوز که بگذریم، می رسم به کاندیداهای ریاست جمهوری خود آمریکا، یکی از کاندیداهای امسال از حزب جمهوریخواه، میت رامنی است. او در یکی از سخنرانی های اخیر خود گفته است شمار مردمی که در آن کشور برای گذران زندگی روزانه به کوپینهای دولتی (Food Stamp) متکی هستند در دوره ریاست جمهوری او با ما از ۳۲ میلیون نفر به ۴۷ میلیون نفر افزایش یافته است. ویکی پدیا نوشته است که متوسط مبلغی که هر کدام از این ۴۷ میلیون نفر بعنوان "کوپین غذایی" دریافت می کنند، ۱۳۳ دلار در ماه است. او با اشاره به این ۴۷ میلیون نفر می گوید که این سیستم "شکسته" (broken) است. رامنی حق دارد سیستمی با این همه ثروت، سیستمی که بزرگترین و پر هزینه ترین ارتش در تمام تاریخ بشریت را دارد، اما ۴۷ میلیون مردم آن روزگار را با روزی کمتر از ۵ دلار در روز می گذرانند، ورشکسته بخواند. اما مشکل اینجاست که او ادعا می کند که می خواهد این سیستم را نجات دهد! میت رامنی یکی دو هفته پیش در يك مهمانی که خودپمایش برای او ترتیب داده بودند، گفت که ۴۷ درصد

## بازنشستگان اصفهان: رئیس‌امون که دزدند، کارگرمون بی مزدند

در شماره قبل انترناسیونال خبر از تجمعات پرشور اعتراضی کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان و خانواده‌های آنها، دادیم. آنها طبق قرار قبلی روز شنبه در مقابل اداره بازنشستگی اصفهان دست به تجمع زدند. بر اساس اطلاعیه شماره ۱۱ حزب در این تجمع نزدیک به ۲۰۰۰ نفر شرکت داشتند و تعداد زنان بازنشسته و نقش آنان چشمگیر بود. چند نفر از کارگران سخنرانی کردند. و صدای شعارهای: "رئیس‌امون که دزدند کارگرمون بی مزدند"، "بترسید بلرزیه ما بازنشسته‌ها با هم هستیم"، "رئیس بی لیاقت استعفا استعفا"، در فضا طنین انداخته بود.

اما به کارگران پاسخی داده نشد و کارگران نمایندگان خود را برای پیگیری خواست خود مبنی بر پرداخت فوری سه ماه حقوق معوقه به تهران فرستادند. بعد از ظهر همان روز ۲۰ نفر از نمایندگان کارگران در مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع کردند. رحیمی معاون احمدی نژاد به آنها گفت که علی الحساب مبلغی بابت پرداخت حقوقهای معوقه کارگران به حساب ذوب آهن خواهد ریخت. اما کارگران با این جواب‌های کلی قانع نشدند و روز یکشنبه ۲۳ مهر در مقابل اداره بازنشستگی اصفهان دست به تجمع کردند. در این تجمع پرشور نیز بیش از ۱۲۰۰ نفر شرکت داشتند. این اعتراضات مقامات جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد. خبر موفقیت کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان در اطلاعیه شماره ۱۲ حزب آمده است که آنرا مشاهده می‌کنید.

## اعتراض قدرتمند کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان به پیروزی رسید کارگران پرچم خواست‌های جامعه را بلند کردند



خانواده‌هایشان و همه مردم شریفی که به هر شکل از این مبارزه پشتیبانی کردند، تبریک می‌گویند و قاطعانه از بیانیه کارگران که بر خواست‌های مهم کل طبقه کارگر و کل جامعه تاکید کرده است، حمایت میکنند. این بیانیه گامی مهم در توده‌ای شدن و سراسری شدن خواست‌های بحق مردم مانند افزایش حقوق و طب و آموزش و پرورش رایگان است و جا دارد که مورد حمایت کارگران، معلمان و همه مردم در سراسر کشور قرار گیرد و به پرچم مبارزه همه مردم تبدیل شود.

زنده باد مبارزه متحدانه و پیگیرانه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

زنده باد همبستگی خانواده‌ها و مردم اصفهان با بازنشستگان ذوب آهن

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مهر ۱۳۹۱، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

**متن بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان**

کارگران، زحمتکشان و بازنشستگان صنعت فولاد ایران خسته نباشید. پیروزی تان مبارک باد

از جمله در سطح دانشگاه ۴- افزایش فوری دستمزدها و افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم سال

۵- از همه بازنشستگان ذوب آهن می‌خواهیم که هفته‌ای دو روز از ساعت ۹ تا ۱۲ در محل دفتر بازنشستگی تجمع کنند تا پیگیر خواسته‌هایشان باشند و از تصمیم‌گیری‌های مسئولین مطلع گردند.

در پایان از همبستگی مردم شهر اصفهان و همه رسانه‌هایی که صدای ما را منعکس کردند، سپاسگزاریم.

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱

اطلاعیه شماره ۱۲

کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان بدنبال یک هفته اعتراض پرشور پیروز شدند. دوشنبه به ۲۴ مهرماه در برنامه ۸ و ۳۰ دقیقه تلویزیون سراسری ایران خبر پرداخت حقوق معوقه کارگران بازنشسته و اختصاص بودجه لازم برای پرداخت بموقع حقوق این کارگران اعلام گردید. در برنامه تلویزیون محلی اصفهان در ساعت ۹ و نیم سه شنبه شب نیز استاندار اصفهان و مسئول سیاسی امنیتی این استانداری اعلام کردند که بازنشستگان ذوب آهن اصفهان تحت پوشش "وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی" قرار می‌گیرند و وزارت صنعت نیز متعهد شده است که با واگذاری اموال خود بدهی‌ها و کسری‌های صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت فولاد را تامین کند تا حقوق آنها بموقع پرداخت شود. طبق گزارشی که به ما رسیده است پول به این صندوق واریز شده و از ساعت ۶ عصر چهارشنبه کارگران میتوانند آنرا برداشت کنند.

کارگران با خوشحال این پیروزی را به یکدیگر تبریک گفتند

و طی بیانیه‌ای خواسته‌های فوری خود را اعلام داشتند. این موفقیت حاصل اتحاد و همبستگی کارگران بازنشسته و پافشاری و عزم راسخ آنها در مبارزه برای گرفتن حقوقشان میباشد. در بیانیه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان بر چند خواست فوری و مهم از جمله حق بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، تحصیل رایگان در همه سطوح، افزایش فوری دستمزدها، افزایش حقوق سالیانه بالاتر از نرخ تورم و پرداخت بموقع طلب کارگران تاکید شده است.

کارگران در ادامه مبارزات خود اعلام کردند که هر هفته روزهای یکشنبه و سه شنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در مقابل دفتر بازنشستگی در خیابان نشاط جمع خواهند شد و خواسته‌های خود را پیگیری خواهند کرد. یکشنبه ۳۰ مهر ساعت ۹ صبح اولین تجمع کارگران بازنشسته صنایع فولاد ذوب آهن اصفهان در مقابل اداره بازنشستگی در خیابان نشاط خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری موفقیت کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان را صمیمانه به آنها و

# زنده باد سوسیالیسم!

## درست تشخیص داده اید! پاسخی به صادق لاریجانی سر دسته جنایتکاران در قوه قضائیه حکومت اسلامی

**اعتراض به اعدام تعرض به ستون و تکیه گاه حکومت اسلامی و همزمان اعتراض به اسلام دین مدافع جنایت و قصاص و نه کردن حرمت انسانی است**

به پدیده اعدام احتیاج دارد، چون با طناب دار نفس میکشد و این جنایتکاری را اساسا برای ترساندن مردم لازم دارد، به اعدام گسترده جوانانی روی آورد که ظاهرا متهم مواد مخدری هستند، اعدام زنانی که ظاهرا قاتل بودند و اما حتی اخبار حکایت از این دارد که تعدادی از این اعدام شدگان مخالفین

بطلبید، اگر تمکین نکنید، پاسخ این جانبان اسلامی با همه میتواند این باشد. اعدام در ملاعام!

اعتراضات مردم علیه اعدام به شما پوزه بند زد!

حکومت اسلامی ایران با اعدام زاده شد و در دوران اولیه حکومت اساسا فعالین سیاسی و منتقدین و نسل انقلاب کرده علیه حکومت شاه

بله این شاید مهمترین خدمت شما و دستگاه جنایت اسلامی به مردم ایران باشد که ماهیت واقعی مذهب در قدرت و اسلام را به عریان نشان داد.

لاریجانی در عین حال گفت که در ایران "اعدامی سیاسی نداریم!" پس فرزند کمانگر و شیرین علم هولی و ... را چرا کشتید؟ پس خسروی سواد جانی را چرا میخواهید اعدام کنید؟ پس ویلاگ نویسان و "مرتدین" را چرا میکشید؟ پس زینب

قربانی شدند، بدلیل اینکه حکومت شاه نتوانست انقلاب را سرکوب کند و حکومت اسلامی با در دست دادن قران این امر مهم را به سر انجام رساند؛ نسل انقلابی را قتل عام کرد. جناب لاریجانی درست تشخیص داده اید، حمله به طناب دار، حمله به حکومت شما و در عین حال حمله به اسلامیت نظام شما است. چرا که همه شما در یک دست قران و الله اکبر داشته و در دست دیگر شمشیر و طناب دار و یا سنگهای مناسب

صادق لاریجانی در یک گفتگو در پاسخ به اعتراضات جهانی علیه اعدامها در ایران به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام و در پاسخ به گزارش سوم احمد شهید که در تاریخ ۱۲ اکتبر منتشر شد، اعلام کرد که اعتراض به اعدام تعرض به قوانین اسلام است. او گفت اعدام "ارزش برای تمام مسلمانان جهان است" و اضافه کرد "در ایران اعدامی سیاسی نداریم."

عکس این فرد را در رسانه های حکومت اسلامی وقتی می بینید که می آید و از خونریزی و قتل تعدادی دفاع میکند. او می آید که بگوید فرزند کمانگر را اعدام کردند، یا احسان فتاحیان را به دلیل فعالیت با یک گروه اپوزیسیون به دار کشیدند، او می آید بگوید که هزاران جوان را به اتهام "مواد مخدر" در سلولهای مرگ نگاه داشته اند، و روز گذشته آمد تا در مقابل اعتراضات بین المللی به اعدامهای گسترده در ایران، (اعدام حداقل دو نفر در روز)، بگوید این جنایات اسلامی است و خونهای ریخته شده را به پای همه مردم به اصطلاح "مسلمان" بگذارد. و پاسخ ما به این جانور اسلامی اینست:

اعدام یک ستون و تکیه گاه برای حکومت اسلامی شما، حکومت لمپن های اسلامی حاکم بر ایران است. این حکومت از روز اول با اعتراض و مقاومت مردم روبرو شده و برای ساکت کردن مردم، و در روزهای اول به قدرت رسیدن در سال شصت و شصت و هفت برای ساکت کردن نسل جوان و انقلاب کرده علیه دیکتاتوری شاه، خون ریخت و جنایت سازمان داد. هزاران نفر فعال سیاسی و جوان و کودک در آن دوره



حکومت اسلامی بوده اند که به این اسم اعدام میشوند. من میخواهم اینجا تاکید کنم که علیه این اعدامها یعنی اعدام بدلیل "مواد مخدر" و یا اعدام بدلیل "قتل" نیز اعتراضی گسترده در ایران وجود دارد. بی دلیل نیست که عکس و اسم دلارا دارابی ها، شهلا جاها و یا نازنین فاتحی ها در دنیا معروف میشود و در ایران مردم با برگزاری تظاهرات و یا جمع آوری امضا و یا ساختن فیلم و یا برگزاری نمایشگاه و ... عملا در مقابل این اعدامها ایستاده و حکومت را به

را کشت. هزاران نفر را این دستگاه جنایت به خاک و خون کشید به کودک ۱۳ ساله نیز رحم نکرد و مادران حامله را به جوخه اعدام سپرد. به مرور اعتراض علیه اعدامها در ایران چنان گسترده شد که مجبورشان کرد، احتیاط کنند. جنایتکاران اسلامی را ما با مبارزات خودمان مجبور به عقب نشینی کردیم و اینها جرات نمیکند به راحتی سالهای اول به قدرت رسیدنشان فعالین سیاسی را اعدام کنند. اگر تفاوتی هست فقط در اینجا است که مجبورشان کرده ایم عقب نشینی کنند پوزه بند به دهانشان زده ایم.

اما جمهوری اسلامی ایران چون

جلالیان و حبیب گلپری پور و زانیار و لقمان مرادی را چرا در سلول مرگ نگاه داشته اید؟

ثانیا اعدام در نفس خود در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، سیاسی است. اینها هر جا و در هر محله و در هر شهری که احساس کنند فضای اعتراضی وجود دارد، در هر جایی که احساس کنند تسلط خود را از دست میدهند یک یا چند جوان را فرقی نمیکند به چه دلیل دستگیر کرده باشند، در ملا عام اعدام میکنند. پیام سیاسی این اعدامها اینست که "جان شما در دستهای ما است، اگر دست از پا خطا کنید، اگر حکومت را به چالش

برای سنگسار کردن! مردمی که این صداهای وحشتناک را شنیدند، مردمی که در چهار راه های اصلی شهرها، با صدای خواندن چند سطر از قران و صدای گوش خراش الله اکبر، عزیزانشان را به دار کشیدید، زنانی که با شنیدن الله اکبر از دهان کشیف جانبان، به آنها تجاوز شد، همه و همه از این کلمات و از این مذهب و از این اسلام منزجرند.

لابد گوشستان را به زمین چسبانده و شنیده اید که در ایران، بویژه نسل جوان، از اسلام و مذهبی که برای کشتن و ترساندن و سیاهی و تباهی ساخته شده است، منتنفرند!

# پیش بسوی ممنوعیت اعدام در همه جا، پیش بسوی جنبش گسترده تر علیه اعدام در ایران

## گزارشی از فعالیت به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام

<http://www.besuveazadi.com/rowzane-10032012/fa/index.php/annonce-archiev/82-reports/11241-1391-07-17-19-59-48>

<http://www.youtube.com/watch?v=ZmeN1BNpUvQ&feature=share>

فیلم سنگسار تریا- م در شهر پادووا بود.

بعد از ظهر روز اول اکتبر در محل شهرداری پادووا فیلم سنگسار تریا م نشان داده شد و سپس گفتگو با مینا احدی در مورد سنگسار در ایران بود. گرداننده این گفتگو طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی بود که به سوالات حاضرین در مورد ابعاد سنگسارها در ایران، کمپین سکینه محمدی آشتیانی و جایگاه سنگسار در حکومت اسلامی ایران و غیره



به مناسبت روز جهانی علیه اعدام سازمانهای علیه اعدام در سراسر جهان به برگزاری میتینگ و کنفرانس و مجموعه برنامه های متنوع پرداختند. کمیته بین المللی علیه اعدام نیز به این مناسبت برنامه هایی در دستور گذاشته بود. در اینجا گزارشی کوتاه از این فعالیتها به اطلاع میرسانیم. سخنرانی و میتینگ در کشورهای ایتالیا، آلمان، کانادا، سوئد و انجام مصاحبه های متعدد با رسانه های مختلف و شرکت در میتینگهای نهادهای علیه اعدام به مناسبت ده اکتبر از برنامه های این کمیته بود.

پاسخ دادند.

کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام بود.

### تورتو - کانادا

به دعوت نهادهای مختلف علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه اعدام در تورتو- کانادا میتینگ اعتراضی به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام برگزار شد که در آن سخنرانان به اهمیت مبارزه علیه اعدام پرداختند. در این میتینگ مهوش عباسوند مادر محمد و عبدالله فتحی دو جوان که به دست جلدان حکومت اسلامی اعدام شدند، در یک سخنرانی مهم و بسیار پرشور علیه اعدامها در ایران حرف زد و از همگان دعوت کرد فعالانه تر علیه اعدام به میدان بیایند.

لینک سخنرانی مهوش عباسوند مسئول نهاد مادران علیه اعدام

### ایتالیا اول اکتبر

روز اول اکتبر مینا احدی و طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی مهمان تلویزیون کانال ایتالیا بودند. در این برنامه دو ساعته گفتگوی مستقیم در مورد اوضاع سیاسی در ایران و مبارزات مردم علیه حکومت اسلامی، دو سیاستمدار ایتالیایی نیز حضور داشتند. این برنامه تلویزیونی که صدها هزار نفر بیننده دارد، یکی از برنامه های مهم کمیته ندا دی و کمیته علیه اعدام بود که با استقبال زیادی مواجه شود. دومین برنامه مینا احدی در جریان سفرش به ایتالیا گفت و شنود با مردم بعد از نمایش

سخنرانی مینا احدی در شهرهای پادووا ایتالیا، شرکت در یک برنامه تلویزیونی دو ساعته با کانال ایتالیا، به همراه طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی، سخنرانی در هایدلبرگ آلمان و استکهلم و یوتبوری سوئد، مصاحبه با شبکه های رادیویی پژواک، همسفر، پیوند، همبستگی، و ... در استکهلم و یوتبوری، شرکت و سخنرانی در میتینگ اعتراضی آتش زدن طناب دار در شهر کلن آلمان، که به همت جمعیت زندانیان ایران- کلن سازمان یافته بود، مصاحبه مفصل با تلویزیون میهن، از جمله برنامه های

### هایدلبرگ آلمان - سخنرانی علیه اعدام به زبان آلمانی

به دعوت یک سازمان آنتیست و منتقد مذهب در جمع علاقمندان مینا احدی در شهر هایدلبرگ روز ۹ ماه اکتبر سخنرانی کرد و این سخنرانی مورد استقبال زیادی قرار گرفت.

<http://wpiran.org/fa/index.php/etelaeye/13-ae/F858-1391-07-25-16-07-07.html>

### کلن ۶ اکتبر مرکز شهر میتینگ آتش زدن طناب دار

روز شش اکتبر در تظاهرات مرکز شهر کلن آلمان به دعوت جمعیت زندانیان ایران- کلن و پشتیبانی کمیته بین المللی علیه اعدام، طنابهای دار آتش زده شد و تعدادی از مخالفین اعدام در این میتینگ مهم اعتراضی سخنرانی کردند.

عکس بسیار زیبا و سمبلیک از آتش زدن طناب دار توسط فعالین جمعیت زندانیان ایران- کلن

گزارشی از دوستان جمعیت زندانیان ایران - کلن از این تجمع  
[http://www.youtube.com/watch?v=Pf\\_vlcVqDQ&list=HL13497T1390&feature=mh\\_lolz](http://www.youtube.com/watch?v=Pf_vlcVqDQ&list=HL13497T1390&feature=mh_lolz)

سخنرانی مینا احدی در این

مینا احدی در شهر یوتبوری سوئد نیز روز ۱۴ اکتبر سخنرانی کرد.

لینک ویدئوی سخنرانی در شهر یوتبوری سوئد  
<http://www.youtube.com/watch?v=suO4uvpzn1Q>

مصاحبه با تلویزیون کانال جدید در برنامه "نگاه روز" در مورد ده



اکتبر:

[http://www.youtube.com/watch?v=R7FD44ubj6I&feature=plajer\\_embedded](http://www.youtube.com/watch?v=R7FD44ubj6I&feature=plajer_embedded)

تجمع اعتراضی:

<http://www.youtube.com/watch?v=SVF6sWf1vyE&feature=share>

گزارشی از این میتینگ به قلم رضا عبدالی

## گزارشی از فعالیت به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام



07.html

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۷ اکتبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi

International Committee  
against Execution  
International Committee  
against Stoning  
minnaahadi@gmail.com  
Tel: 0049 (0) 1775692413  
http://  
notonemoreexecution.org  
http://stopstonningnow.com/  
wpress/

شهر استکهلم سخنرانی کرد.

گزارش این جلسه در سایت

روزنه:

[http://www.rowzane.com/  
index.php/annonce-  
archie/62-edam/11297-1391-  
07-24-10-22-23.html](http://www.rowzane.com/index.php/annonce-archie/62-edam/11297-1391-07-24-10-22-23.html)

ویدئوی سخنرانی در شهر

استکهلم سوئد

[http://wpiran.org/fa/  
index.php/etelaeye/13-  
ae/1858-1391-07-25-16-07-](http://wpiran.org/fa/index.php/etelaeye/13-ae/1858-1391-07-25-16-07-)

از صفحه ۱

در تمام این برنامه ها مردم علاقمند و تعداد زیادی از خانواده هایی که عزیزان آنها به دست جمهوری اسلامی ایران اعدام شده اند، حضور بهم رسانده و از ضرورت مقابله فعالانه تر علیه اعدام حرف زدند.

مصاحبه با تلویزیون میهن  
[http://www.youtube.com/  
watch?v=QWYn5kxicoc](http://www.youtube.com/watch?v=QWYn5kxicoc)

مصاحبه با رادیوی سراسری

سوئد پژواک

[http://sverigesradio.se/sida/  
artikel.aspx?  
programid=2493&artikel=53  
07381](http://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?programid=2493&artikel=5307381)

مصاحبه با رسانه های

مختلف

[http://www.youtube.com/  
watch?  
v=l\\_qj5th80Go&feature=shar  
e](http://www.youtube.com/watch?v=l_qj5th80Go&feature=share)

سخنرانی در شهر استکهلم:

مینا احدی در روز ۱۳ اکتبر در



## کارگران صنایع فلزی تهران دست به تجمعات اعتراضی زدند

اما علی‌رغم این، مامورین انتظامی موفق به جلوگیری از عکس گرفتن نشدند و عکس هائی از این تجمع منتشر شد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتراض کارگران صنایع فلزی و خواست های آنها پشتیبانی میکند و کارگران سایر مراکز کارگری و خانواده های کارگران و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از آنها و کلیه مبارزات حق طلبانه کارگران فرامیخواند. این مبارزات شایسته حمایت گرم همه مردم و انعکاس فعالانه این تجمعات در رسانه های مختلف و از جمله مدیای اجتماعی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۳۹۱

۱۴ اکتبر ۲۰۱۲

بیمه درمانی آنها حل شود و دستمزدهای معوقه نیز به وزارت صنایع مربوط است. کارگران تصمیم گرفتند تجمع اعتراضی خود را به مقابل وزارت صنایع بکشند، اما طبق گزارشی که اتحادیه آزادی کارگران ایران منتشر کرده است، وزارت صنایع اقدامی برای پاسخ دادن به خواست های کارگران نکرد و به همین دلیل کارگران از ساعت یازده و نیم صبح امروز یکشنبه دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری زدند. فشار اعتراضی کارگران استاندار را وادار به حضور در تجمع کارگران کرد.

در تجمع دیروز مامورین انتظامی موبایل تعدادی از شهروندان را که به نشانه همبستگی با کارگران از تجمع آنها عکس میگرفتند ضبط کردند،

روز گذشته ۶۰۰ نفر از کارگران صنایع فلزی شماره یک و دو متحد و یکپارچه در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه و رسیدگی به مساله بیمه خود شدند. کارگران خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه و همچنین رفع موانع بازنشستگی تعدادی از کارگران و تمدید دفترچه های درمانی خود هستند.

در تجمع دیروز کارگران ابتدا خیابان پر رفت و آمد آزادی را مسدود کردند و سپس وارد مذاکره با مقامات وزارت کار شدند. وزارت کار پیشروانه به کارگرانی که چند ماه حقوق شان را دریافت نکرده اند اعلام کرد که ۷ درصد بیمه بیکاری را بجای کارفرما خودتان پرداخت کنید تا مشکل بازنشستگی تعدادی از کارگران و

## سخنی با کارگران و مردم ایران

### اصغر کریمی

از صفحه ۱

از این خواست ها حمایت کرد و همه جا به گرد آنها متحد شد. همه جا باید اعلام کرد که طب و خدمات بهداشتی رایگان، آموزش و پرورش رایگان و افزایش حقوق برای یک زندگی انسانی و همینطور کار یا بیمه بیکاری و کمک هزینه به مردم فقیر و کم درآمد حق بدیهی و انکارناپذیر مردم است. باید اعلام کرد که دولت مسئول این شرایط است و باید معیشت مردم را تامین کند. هر ماه میلیاردها دلار صرف دزدی ها و حقوق های کلان مقامات، صرف اوباش سرکوبگر و کمک به دولت جنایتکار سوریه، صرف مساجد و موسسات مذهبی و صرف اوباش حکومت برای کنترل زنان و جوانان میشود. باید بیخاست و حکومت دزدان و قاتلان را وادار کرد که این هزینه ها را صرف تامین معیشت مردم کنند. زنده باد کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

خواست مهم همه مردم زحمتکش است. چهار خواست افزایش فوری دستمزد و پرداخت بقوق آن و رایگان شدن بهداشت و درمان برای همه اقشار و تحصیل رایگان تا سطح دانشگاه برای همه مردم خواست های مهم این بیانیه است که توسط ۳۲۰۰۰ بازنشسته ذوب آهن و خانواده هایشان که نزدیک به صد هزار نفر را شامل میشود به اهتزاز درآمده است و باید مورد استقبال همه مردم قرار گیرد.

انتشار این بیانیه يك اقدام مهم در شرایط کنونی است و باید به بیانیه مردم در سراسر کشور تبدیل شود. باید در تک تک کارخانه ها و مدارس و ادارات مورد حمایت قرار گیرد و با بیانیه های مشابهی تکمیل شود. باید در تک تک دانشگاهها و محلات

# سنگسار از قانون مجازات اسلامی در ایران حذف میشود! پوزه جمهوری اسلامی ایران سردمدار اسلام سیاسی به خاک مالیده شد!

روز چهارشنبه ۱۰ اکتبر ۲۰۱۲ خبر حذف مجازات سنگسار از لایحه قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی (متن پیشنهادی مجلس شورای اسلامی به قوه قضائیه) منتشر شد. در این رابطه رسانه های حکومت اسلامی اعلام کردند که در این متن خبری از مجازات سنگسار نیست. این اتفاق بعد از اظهار نظر چند آخوند حکومتی در سال گذشته در مورد ضرورت حذف این وحشیگری از قانون بدلیل لطمه زدن به موقعیت و چهره حکومت اسلامی ایران اعلام میشود. تنظیم این لایحه تا همینجا يك عقب نشینی جمهوری اسلامی در مقابل اعتراضات داخلی و بین المللی علیه این توحش اسلامی است.

سنگسار يك وحشیگری مطلق و يك بربریت کامل اسلامی است. سنگسار نمونه آشکار جنایت علیه بشریت است و باید بسیار پیش از اینها در سطح جهانی ممنوع اعلام میشد. اینکه سازمان ملل و یا اتحادیه اروپا و دولت های اروپایی و ... بیش از چند دهه، در مقابل این تکه تکه شدن زنان در ملا عام به دست مشتکی جنایتکار اسلامی، سکوت کرده و راه دیالوگ با جانیان را در پیش گرفتند، فقط به عنوان يك لکه سیاه در تاریخ بشریت ثبت خواهد شد.

در ایران تحت حاکمیت

جمهوری اسلامی در طول سی و سه سال صدها زن سنگسار شدند و دهها زن و مرد همجنسگرا بدلیل رابطه جنسی توسط این جانیان به قتل رسیدند.

در اروپا و غرب دولتهایی که بدلیل منافع اقتصادی و سیاسی چشمها را بسته و گوشها را محکم گرفته بودند، برای ساکت کردن جامعه و مردم معترض علیه سنگسار، گفتند که این جوامع اسلامی اند و گفتند این فرهنگ آن مردم است!!

علیه سنگسار اساسا مردم در همان کشورهای اسلام زده و بطور ویژه زنان در ایران مبارزه کردند. ما علیه سنگسار بپا خواستیم و رو بسوی مردم و رو بسوی قلبهای مردم در دنیا کردیم. کمپین های جهانی را علیه احکام سنگسار در ایران و در پاکستان و سودان و نیجریه ... سازمان دادیم. این حرکت در کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی به اوج خود رسید و در این کمپین بین المللی میلیونها انسان علیه سنگسار به میدان آمدند. این حرکت انسانی و بسیار گسترده که هر کس که قلبی در سینه داشت را بحرکت در آورد، پاسخ انسانیت به

سنگسار و این وحشیگری اسلامی بود. در کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی بشریت بپا خاست و از حرمت انسانی خود دفاع کرد. با امضا طومار اعتراضی، با برپایی میتینگ و تظاهرات در بیش از ۱۱۰ شهر دنیا، در انعکاس بسیار گسترده رسانه های این کمپین و در اعمال فشار قوی علیه دوول غربی و دولتها در سراسر جهان توسط میلیونها نفر دیگر دولتها نمیتوانستند بر طبل دیالوگ بر سر سنگسار بکوبند مجبور شدند اعتراض کنند.

این اعتراض به بار نشست و جانیان حاکم بر ایران مجبور شدند در مقابل مردم معترض ایران و حمایت گرم مردم جهان زانو بزنند. حذف سنگسار از قانون مجازات اسلامی بدنبال ممنوع شدن دوفاکتوی سنگسار در دنیا از ترس مردم دنیا بود. حکومت اسلامی ایران در کمپین سکینه محمدی آشتیانی، پوزه اش بخاک مالیده شد و اکنون خوشبختانه در سطح بین المللی صحبت از ممنوعیت سنگسار در دنیا است.

در میان دولتها پارلمان هلند مبتکر این اقدام جهانی

است و به احتمال زیاد سازمان ملل اینرا در دستور خود خواهد گذاشت و باید کاری کنیم که سنگسار این عمل اسلامی ننگین و این جنایت علیه بشریت در همه جا ممنوع شود.

اگر حکومت خون و جنایت اسلامی مجبور به حذف قانون سنگسار از قوانین مجازات قرون وسطایی اش میشود مدال افتخار را باید به گردن زنان معترض ایرانی انداخت، به گردن زنانی که در مقابل این حکومت کوتاه نیامده و همواره مبارزه کرده و اینها را به زانو در آوردند.

همه کسانی که سنگسار را فرهنگ و قانون مردم ایران معرفی کردند، همه کسانی که گفتند زیاد مهم نیست و فقط چند زن سنگسار شده اند، همه کسانی که در مقابل این جنایت سکوت کردند و در عین حال مدال دفاع از حقوق بشر را به گردن آویخته و دنبال جمع کردن جوایز رفتند، باید بدانند، دفاع از حقوق انسانی از جمله در به خاک مالیدن پوزه جنبش اسلامی

در سازمان دادن سنگسار (این جنایت مقدس) علیه زنان و مردم اتفاق می افتاد و ما در این عرصه يك شکست کامل را به حکومت اسلامی تحمیل کردیم و يك پایه و ستون حکومت اسلامی را خراب کردیم. باید برای سرنگونی این حکومت پیش رفت و در آینده ایران حکومتی ساخت که مذهب نه فقط در دولت و آموزش و پرورش نقش نداشته باشد، بلکه باید قانون و قضاوت بر اساس حقوق مسای همه شهروندان تنظیم شود نه اسلام و مذاهب. علاوه بر این باید از جامعه مذهب زدایی کرد و کمک کرد مردم سر ایران آینده راحت نفس بکشند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۱۲ اکتبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi  
International Committee  
against Execution  
International Committee  
against Stoning  
minnaahadi@gmail.com

Tel: 0049 (0) 1775692413

http://  
nofonemoreexecution.org  
http://  
stopstoningnow.com/  
wpress/

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاپی بدل میشود!

## انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## ..... پاسخی به صادق لاریجانی سر دسته جنایتکاران در قوه قضاییه حکومت اسلامی

از صفحه ۱۲

چالش می طلبند. جنبش علیه اعدام در ایران يك جنبش گسترده است و این جنبش گلوی حکومت اسلامی را فشار میدهد.

در همین روزهای اخیر در آستانه ده اکتبر، خانواده زندانیان محکوم به اعدام به اتهام مواد مخدر در مقابل در خانه خامنه ای سه بار تجمع کرده و به احکام اعدام فرزندان خود اعتراض کردند. پاسخ "بیت رهبری خونریز" تهدید به اعدام فوری زندانیان بوده است.

نکته محوری اینست که اعدام جنایت است و فرقی نمیکند. انسانکشی به اتهام مواد مخدر و یا حتی قتل در جامعه و یا تجاوز و یا ... باید فوراً در همه جا ممنوع شود. پاسخ جرائم در جامعه، نه سازمان دادن خونسردانه و دولتی قتل افراد، بلکه یافتن راه حل است و این از عهده حکومت اسلامی بر نمی آید چرا که معضل این حکومت، پاسخ دادن به مشکلات مردم نیست، بلکه سرپا نگاه داشتن خود است و طناب دار تکیه گاه این حکومت است و بهمین دلیل اینها میکشند تا زنده بمانند.

لاریجانی که در راس يك دستگاه خونریز و جنایتکار به اسم قوه قضاییه ایستاده است، خود بهتر از همه میدانند که در ایران قوه قضاییه و سیستم قضایی هیچ چیز نیست جز يك دستگاه مخوف جنایتکارانه. در ایران زندانیان سیاسی و بطریق اولی زندانیان عادی مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار گرفته و روزانه هزاران نفر اسیر این جلادان، زیر بدترین فشارهای روحی و جسمی و نبود کمترین امکانات بهداشتی و رفاهی زندگیشان تباه و

نابود میشود. و تعداد زیادی از زندانیان عادی در این شرایط جان باخته و از بین رفته اند.

اینها سیستم حقوقی اسلامی دارند، این کاملاً درست است. سیستمی که به جلادان اجازه میدهد که هر آنچه از رذالت و کسافت اسلامی به ذهن اشان خطور میکند را علیه زندانیان اعمال کنند. این جلاد اسلامی راست میگوید به اسم خدا و با "الله اکبر" مشتکی لمپن اسلامی در زندانها به زنان و یا مردان تجاوز میکنند، به هیچ چیز رحم نمیکنند و جنایاتی انجام میدهند که روی دیکتاتورهای معروف و منفور در تاریخ را سفید میکنند.

پس پاسخ همه مادران و پدران و همسران و فرزندان که عزیزان آنها را این جانپان به قتل رسانده اند، پاسخ همه کسانی که در زندانهای این حکومت از بین رفتند، پاسخ مردم ایران به این جانی کثافت اسلامی به لاریجانی اینست که با این دستگاه جنایت اسلامی شما، با سیستم حقوقی مبتنی بر شریعه و اسلام، با دستگاهی که جز جنایت و سرکوب و تحقیر و انسانکشی هیچ کارکردی ندارد، سرچنگ داریم.

جنایت مقدس در ایران سازمان دادید و به اسم اسلام از آن دفاع کردید و اکنون موج نفرت و انزجار از اسلامتان را می بینید و فرار به جلو انجام میدهید. میگویید که میلیونها نفر "مسلمانان جهان" از این جنایتکاری شما دفاع میکنند، مردم دنیا بارها و بارها اعتراض خود علیه حکومت جنایتکار اسلامی را ابراز کرده اند. فراموش نکنید که همان میلیونها نفر مردم ساکن در ایران، میلیونها انسان، قربانی شما جنایتکاران شده اند و

مترصد فرصت برای سرنگون کردن این دستگاه رذالت اسلامی هستند. جنایات و وقاحت اسلامی را به پای مردم ننویسید. مادرانی که عزیزان آنها را کشتید و حتی اجازه گریه کردن به آنها ندادید، والدینی که حتی نمیدانند عزیزان آنها را کجا دفن کرده اید، فرزندان که پدر و مادر آنها را کشتید و اکنون اینها بالغ شده و از حکومت اسلامی شما دادخواهی مادران و پدران خود را میکنند، اینها همه مترصد فرصت هستند تا روزی همه سردمداران این حکومت فاشیست را، همه دست اندرکاران این حکومت از روز اول تا امروز را در يك دادگاه مردمی ببینند. دادگاهی که قبل از همه باید گوشه و زوایای سی و سه سال جنایت سازمان یافته، سی و سه سال بیرحمی اسلامی و نقش مقامات حکومت اسلامی و نقش اسلام را در این جنایتکاری غیر قابل تصور روشن کرده و بر سیاه چالها و زندانهای این حکومت نورافکن انداخته و برای مردم جهان روشن کند که ما در ایران با چه جانورانی دست و پنجه نرم کردیم و چگونه پوزه اینها را به خاک مالیدیم. جناب سر دسته جلادان آن روز دور نیست و به برادران خودتان و به بقیه جلادان و خونریزان وقیح اسلامی بگوئید، نوبت محاکمه و مجازات همه آنها خواهد رسید. اینرا به شما قول میدهم!

کلن - مینا احدی  
۱۸ اکتبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi  
International Committee  
against Execution  
International Committee  
against Stoning  
minnaahadi@gmail.com

Tel: 0049 (0) 1775692413  
http://  
nofonemoreexecution.org  
http://stopstoningnow.com/  
wpress/

## جمهوری اسلامی و "مشوقهای اقتصادی برای افزایش جمعیت"

از صفحه ۶

هزار نفر در کشور از گرسنگی رنج می برند.

دستجودی وزیر بهداشت: بیش از ۱۶ درصد جمعیت کشور از هیچ پوشش بیمه‌ای برخوردار نیستند. سالانه ۵ تا هفت و نیم درصد از جمعیت کشور به دلیل هزینه‌های بیماری‌های صعبالعلاج به زیر خط فقر می‌روند.

روایی افزایش جمعیت با این وضعیتی که حکومت بر مردم تحمیل کرده است، بخشی از سیاست های تبلیغاتی و در خدمت رژیم می باشد. نه مردم تن به این سیاست و مشوقها تن میدهند، نه حکومت قدرت و توان تحمیل افزایش جمعیت را به مردم دارد. جمهوری اسلامی سرمایه داران فقر و فلاکت را بر گرده مردم تحمیل کرده است. سیاست های ضد مردمی اش دمار از روزگار مردم درآورده است. خواستها و مطالبات مردم نه افزایش جمعیت، تلاش و مبارزه برای زندگی کردن و تامین امروز زندگیشان می باشد. جنگ مردم با حکومت، جنگی برای رهایی، آزادی، رفاه و يك جامعه شایسته زندگی می باشد. چیزی که مردم می خواهند در کنار همه مطالبات و خواستهای اقتصادی و سیاسی شان، گسترش مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی فقر و فلاکت می باشد، نه افزایش جمعیت!\*

گاه معنا و مفهومی نداشته و ندارد. همه چیز برای حکومت و نظام! این تنها کار این ها بوده و می باشد. جانیانی که ادعای تامین همه زندگی ایران بالای ۱۰۰ میلیونی را طرح می کنند، نه خواسته و نه می خواهند حداقل خواستههای همین جمعیت ۷۰ میلیونی را تامین نمایند. هر چی این مردم دارند در يك جنگ با حکومت و سیاستهایش به این جانیان تحمیل کرده اند. واقعیات زندگی و تامین زندگی اما در همین جامعه ۷۰ میلیونی چیز دیگری است. واقعیاتی که خود حکومتی ها به آن اعتراف می کنند. این وضعیت واقعی زندگی میلیونها مردم ایران است. مسئول این وضعیت جمهوری اسلامی است. این چند خبر گوشه ای وضعیت زندگی جمعیت فعلی مردم ایران را نشان می دهند:

۸۵ درصد جمعیت کارکن ایران، یعنی کارگران و مردم شاغل ۳ برابر زیر خطر فقر اعلام شده حکومتی، یعنی با درآمدی زیر يك میلیون تومان در ماه، زندگی میکنند.

- رییس پژوهشکده علوم و صنایع غذایی: طبق آمار، ۵ درصد از جمعیت ایران از گرسنگی رنج می‌برند. بیش از ۳ میلیون و ۷۵۰

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!